

کارگر امروز

نشریه انتربنیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol.4, No.44, February 1994

سال چهارم، شماره ۴۴، بهمن ۱۳۷۲

اعتصاب و دستگیری رهبران اعتصاب در اندونزی

* بیش از ۲۰ رهبر اعتصاب کارگری در اندونزی که فراخوان اعتصاب داده بودند توسط

صفحه ۵

پلیس دستگیر شدند



اعتراض اتحادیه های کارگری ایتالیا به بیکارسازیها

همبستگی یعنی انعطاف ساعات کار و روز کار کوتاهتر در ازای تضمین شغلی پرس، مدلی که در کمپانی فولکس واگن آلمان برقرار شد. اما کمپانی فیات اعلام کرد که بیکارسازی ها باید بلافضل آغاز شود. اتحادیه های کارگری فیات نگرانند که استراتژی بیکارسازی ها طی دو سال شکلی دانمی بیابد و همچنین کارخانه آرس که بیش از ۹ هزار کارگر در استخدام دارد در سال ۱۹۹۶ بکلی بسته شود.

موقت ۱۶ هزار کارگر کمپانی در اواسط زانویه است که به دلیل کاهش تقاضا و فروش اتومبیل صورت گرفت. روز ۱۷ زانویه، به فراخوان اتحادیه های کارگری، کارگران فیات علیه بیکارسازی ها بمدت هشت ساعت دست به اعتراض زدند. روز ۱۹ زانویه کارگران کارخانه آلفا رومئو دست به اعتساب زدند و اعتصاب آنها توسط اتحادیه کارگران بخش مهندسی حمایت شد. بیش از ۹ هزار کارگر در استخدام دارد در طی مذاکرات، اتحادیه خواهان "قرارداد

مرکز خبری کارگر امروز": کمپانی فیات در ایتالیا اعلام کرد که ۵ درصد از نیروی کارشن را در سال جاری و ۱۰ درصد دیگر را در دو سال آتی بیکار خواهد کرد. این خبر خشم اتحادیه های کارگری را برانگیخت و انتظار میورده که این کمپانی با موجی از اعتصابات روپرورد شود.

به گزارش تایمز مالی، به گفته دو اتحادیه کارگری بزرگ اسپانیا که سازمانده اعتصاب مختل شد و مردم در خیابان ها دست به پیکت و اعتراض زدند. *

بقیه در صفحه ۲

شوراهای اسلامی و مبارزه سراسری کارگری بروای افزایش حداقل دستمزد

جنبش کارگری ایران وارد ششمين ماه پر از التهاب خود شده است. بعد از پیشنهاد تغییر قانون کار در پانیز امسال که کارگران ایران را شوکه کرد و عکس العمل آنان را غیر قابل پیش یینی ساخت، مسئله افزایش دستمزد تا اعماق طبقه کارگر رسوخ کرده و به مهمترین موضوع مورد بحث تبدیل شده است. شوراهای اسلامی روزهای سختی را می گذرانند. از طرف دولت مورد کم لطفی قرار گرفته اند. مدیران جدید با آنها سر سازگاری ندارند و نفرت کارگران از آنها هر روز عمیق تر میشود. شوراهای اسلامی برای اثبات ضروری بودن و جذشان برای جلوگیری از اعتراضات و اعتصابات کارگری و حفظ

اعتصاب عمومی در اسپانیا

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۲۷ زانویه، بدنبال اعتساب یکروزه کارگران اسپانیا در اعتراض به برنامه رiform بازار کار دولت، پلیس ضد شورش این کشور با کارگران اعتصابی درگیر شد. به گزارش تایمز مالی، به گفته دو اتحادیه کارگری بزرگ اسپانیا که سازمانده اعتصاب بودند بیش از ۸ میلیون کارگر در اعتساب شرکت کردند. در سراسر کشور خطوط پیکت

حداکثر سقف عیدی و پاداش امسال کارگران

۲۷۰ هزار ریال تعیین شد

میزان حداقل دستمزد سقف عیدی امسال کارگران حداکثر ۲۶۹۶۰ ریال خواهد بود و این میزان به افرادی تعلق میگیرد که یکسال تمام در واحد خود کار کرده اند. به کارگرانی که کمتر از یکسال در واحد خود کار کرده اند ببلغ پرداختی باید معادل ۶۰ روز مزد و به نسبت ایام کارمزده کارگران پیردازند. طبق این مصوبه مبلغ پرداختی ناید از معادل ۹۰ روز حداقل دستمزد روزانه قانونی تجاوز کند. به گزارش اطلاعات ۱۲ دیماه با توجه به

مرکز خبری کارگر امروز: پر اساس مصوبه سال ۷۰ مجلس کارگاهایی که زیر پوشش قانون کار هستند مکلف خواهند بود که به نسبت یکسال کار معادل ۶۰ روز آخرين دستمزد را به عنوان عیدی و پاداش به کارگران اقلایی ترکیه خود را گسترش داده و در حال رشد است.

اتحادیه دیسک توکیه در حال رشد است

دیسک (کنفرنس اسپانیون سراسری اتحادیه های کارگران اقلایی ترکیه) خود را گسترش داده کارگران اتحاصابی هر بخش بدنبال صحبت با مدیریت و گرفتن وعده بسر کار خود باز گشتن در کارخانه ۱۸ زانویه ۱۹۹۴ طی اطلاعیه ای که از طرف وزارت کار منتشر گردید اعلام شد که تعداد اعضا دیسک از ۲۰۵ هزار نفر به ۳۲۰ هزار نفر بالغ گردیده است. همچنین تعداد اتحادیه هایی که عضو دیسک بوده و به بالای حد نصاب معین برای داشتن حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی و استفاده از قوانین سندیکایی زیسته اند نیز به ۱۵ ارتقاء پیدا کرده است. پیرامون این موضوع اطلاعیه ای نیز از سوی مرکز دیسک صادر شد. در بخشی از این اطلاعیه چنین آمده است: "علیرغم موانعی که از طرف کارفرمایان و جاهای دیگر در مقابل کارگران گذاشته می شود اما کارگران در سطح وسیعی به دیسک می پسندند. همچنین علیرغم اخراج کارگران بدلاً لعل عضویت سندیکایی و بازداشت رفاقت

صیغ کارگر امروز: کوتاه مدت زدند. در یکی از سالنها کارگران بطری دسته جمعی از سالن خارج شدند و بطری ساختمان اداری رفتند کارگران اتحاصابی هر بخش بدنبال صحبت با مدیریت و گرفتن وعده بسر کار خود باز گشتن در کارخانه چیز ری با تأخیر پرداخت میشود. در روز ۲۲/۶/۱۷ با کارگران ۴ سالن اقدام به اعتساب کردند که کارگران سه سالن پس از شنیدن وعده های دستمزدها گشته بود، و با توجه به سابقه این امر، از هشت سالن تولیدی شیفت

اعتصاب کارگران چیز ری

در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزد ها

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران چیز ری در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق خود دست به اعتصاب زدند. نزدیک یکسال است که هر ماه حقوق کارگران در کارخانه چیز ری با تأخیر پرداخت میشود. در روز ۲۲/۶/۱۷ با کارگران سه سالن پس از شنیدن وعده های دستمزدها گشته بود، و با توجه به سابقه این امر، از هشت سالن تولیدی شیفت

تحولات اروپایی شرقی و آینده سوسیالیسم کارگری

مصاحبه با منصور حکمت

صفحه ۸

فشار و تهدید دولت ترکیه علیه رهبران و فعالین اتحادیه های کارگری

صفحه ۹

اولین معرض جنبش کارگری در ایران نبود تشكل سراسری کارگران است

صفحه ۱۱

بقیه در صفحه ۵

صفحه ۱۲

طی سال گذشته

یک هزار کارگر در اثر سوانح کار به قتل رسیدند یا معلول شدند

مرکز خبری کارگر امروز: نامنی محیط کار کارگران را کشتار می کند. مدیر کل بازرسی کار وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کرد که طی سال جاری حدود یکهزار کارگر در اثر حوادث کار کشته یا دچار نقص عضو کلی شده اند.

کار در نظام بودگی سرمهایه قتلگاه کارگران

این عکس سند یکی از جنایات فجیع است که هر روزه اتفاق می افتد. یکی از کارگران شهرداری در اوائل آبان مشفول تعییر یکی از گردیدهای شهرداری بود که بعلت در رفتن جک، گردید بر روی او سقوط کرد و موجب مرگ جانگذار وی گردید.

شرایط کار در شرکت صنعتی شوفازکار:

جهنمی غرق در دود و گرد و گثافت!

مرکز خبری کارگر امروز: در همین شماره خواندید که طی سال جاری هزار کارگر بر اثر نامنی کار کشته یا معلول شدند. اما قربانیان شرایط نامنی کار بسیار بسیار بیش از این ارقام است. یک نمونه از شرایط غیر قابل تحمل کار، کارخانه ریخته گری شوفازکار است. مدت بیست سال است که صدها کارگر در این کارخانه دچار انواع بیماریهای ناشی از شرایط سخت و غیر بهداشتی کار شده اند. نامه زیر که در وزنامه کار و کارگر آبانماه به چاپ رسیده است شرایط کار در این کارخانه را بنحو گویای تصویر کرده است:

- ۱ - آبودگی مربوط به ماسه و زغال و بنتونیت: گرددش صدها تن ماسه و زغال پر کرد که مواد اولیه اساسی در فرمگیری قالبها به حساب می آید.
- ۲ - آبودگیهای مربوط به کوره ها: پنج عدد کوره القایی با ظرفیت کلی حدود ۱۰۰ تن روزانه مواد مذاب لازم است که به علت فقدان هواشها و غبارگیریهای مناسب فضا را اشاع نموده و همین ذرات ریز و درشت که ابعاد آن به میکرون نیز می رسد وسائل اینچنان از ساخت اکسیدهای دیدگاه یک ناظر یا یک بازدید کننده شوفازکار جهنمی است غرق در دود و گرد و غبار و خاک و گثافت که با موسیقی اصوات ناهنجار و طاقت فرسا مزین شده است که بخت برگشتنگانی محکوم به عذابی داشت در آن مقینمند. آبودگی صوتی کارگران این کارخانه را اکثراً دچار ناراحتیهای عصبی نموده است که مبتلایان به بیماریها مغزی و سرماں گواه بر این مدعای است که برای اکثر کارگران مایوس و سرخورد و نامید این کارخانه آینده تیره ای را تصویر می کند.

آدرس گمیته های همبستگی کارگری

کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران، انگلستان همراه گشته: امان کفا آدرس: ICSL
Box 6278
102 34 Stockholm
Sweden

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد همراه گشته: مهدی آزادی آدرس: ISASK
Box 4082
121 04 Johanneshov
Sweden

کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا همراه گشته: مرتضی افشاری آدرس: I.A.S.
Postfach 570
1151 Wien
Austria

کمیته همبستگی کارگران ایران و فنلاند همراه گشته: مرتضی افشاری آدرس: ICLSC
P.O.Box 1228
Stn. Q Toronto
Ont. M4T 2P4
Canada

کمیته همبستگی کارگران ایران و آلمان همراه گشته: پرویز عزیزان و روبوار عارف آدرس: S.K.I.
Box 1715
2300 Copenhagen S
Denmark

کمیته همبستگی کارگران ایران، آمریکا همراه گشته: علی جوادی آدرس: P.O. Box 241412
L.A. CA 90024
USA

کمیته همبستگی با کارگران ایران، فرانسه همراه گشته: نادر بکناش آدرس: CSOI
Mr Tari
P.R.
38 Blvd. Strasbourg
75010 Paris
France

و کودکانشان در محیط خانوادگی دیگر سوغات نامیمون چنین محیط است.

۴ - آبودگی حرارتی: تخلیه حرارت صدها تن چند مذاب تا مرز انجام در فضای سالنهای تولیدی کارخانه حرارت را بصورت یک مشکل عمده درآورده و این حرارت اغلب موجد ناراحتیهای عصبی و استرسها و کلافگی می گردد و با تعزق بیش از حد باعث ناراحتیهای کلیوی و بکدی کارگران گردیده است.

۵ - آبودگی در قسمت ماهیجه سازی: در قسمت ماهیجه سازی بعلت استفاده از مواد شیمیایی و چسبهای مخصوص و رزینهای حاوی اوره و فورفرید الکل و سخت کننده های شیمیایی که در هنگام بخت ماهیجه کازهای مسموم و اسیدی آن تعامی منطقه تولیدی را پر می کند ما شاهد ناراحتیهای ریوی و چشمی بسیاری بوده ایم و شدت آثار تخریبی این مواد بر کارگران بخش مریبوط چنان است که بنایه اعتراض کارشناسان این کارگران تنها ۵ سال می توانند در این محیط دوام بیاورند و از آن پس هیچ تضمینی بر سلامت آنان نمی توان داد.

۶ - پشم شیشه و الیاف: پشم شیشه و الیاف آن یکی دیگر از آبودگیهای مهم کارخانه است که در بخش زیویش سازی مشکلات تنفسی برای شماری از کارگران ایجاد کرده و با توجه به سلطان زا بودن پشم شیشه یک تهدید مسلم به حساب می آید.

۷ - قسمتهای نوسازی و مکانیکی و تعمیرات ماسه سازی و برق نیز اغلب سرویس‌های تعمیراتی خود را در محیط آبودگیهای تعمیراتی خود دارند. می دهند و در معرض مستقیم تمامی آبودگیهای مشروطه در فوق قرار دارند.

۸ - قسمتهای تراشکاری و تکمیل

دیگ و بوش سازی نیز که اکثراً در

فضای آگشته به بخارات و غبار چدن

و اکسیدهای فلزی فعالیت می کنند و

روی قطعات سنگین کار می کنند و

چهره دیگری از سختیهای کار در این

کارخانه می باشد.

۹ - قطعات تولید شده پره ها و درجه

های مریبوط و ماهیجه ها و پس

قالبها آن دارای وزن سنگین بوده که

بعلت تکرار در حمل و نقل آن در طی

بقیه در صفحه ۷



۳ - آبودگی صدا:

وجود دو سیستم ویبره و سندبلاست جهت تخلیه ماسه و تمیز کاری محصولات تولیدی و همچنین وجود انواع پرسهای پنوماتیک با سر و صداسنجی حاکی از آن است که شدت

صداسنجی حاکی از آن است که شدت

صداسنجی خود مشغولند.

پخش وسیع تری از کارگران در کارهای فصلی و ساختمانی هر سال قربانی می شوند که شامل هیچ قانونی نیستند و آمار مریبوط به کارگران شامل قانون کار و براساس گزارشاتی تنظیم می شود که به وزارت کار ارسال می گردد.

وی مدعی شد که سوانح کار نسبت به سال

این کتاب که قیمت آن معلوم نیست را میتوانید از طریق آدرس زیر تهیه کنید:

این کتاب که قیمت آن معلوم نیست را میتوانید از طریق آدرس زیر تهیه کنید:

آدرس:

K.A.K.
Box 29 065
100 52 Stockholm
SWEDEN

هزاری برو جنبش کارگری

و چپ ترکیه

مشترک
نشان

جمهوری اسلامی

پیرام رحمانی



دسامبر ۱۹۹۳

دی ماه ۱۳۷۲

هزاری برو جنبش کارگری ایران - گمیته توکیه
۱۹۹۳

از انتشارات گمیته بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران

دسامبر ۱۹۹۳

اعتصاب و دستگیری رهبران اعتصاب در اندونزی

در پرتفعال

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۱ فوریه، کارگران بخش خدمات عمومی پرتفعال برای دو میون بار در طی سه هفته برای افزایش دستمزد دست به اعتراض سراسری یکروزه زدند. به گزارش تایمزمالی، با اعتراض کارگران مدارس، بیمارستان‌ها و ترانسپورت عمومی در کشور به حالت تعطیل درآمد.

در این اعتراض کارگران خواهان ۹ درصد افزایش دستمزد شدند در حالیکه پیشنهاد دولت ۲/۵ درصد افزایش دستمزد است. نرخ تورم در این کشور در سال ۱۹۹۴ حدود ۶ درصد بیش بیش شده است. به گفته اتحادیه‌ها بیش از ۹۰ درصد کل ۱۰۰ هزار تیپوی کار در بخش خدمات در این اعتراض شرکت کردند. *

موج اعتضابات در بلگراد

مرکز خبری کارگر امروز: روز اول ژانویه، بلگراد شاهد یکی از وسیع ترین اعتضابات در طی سه سال اخیر در این کشور بود. به گزارش تایمزمالی، معنجه‌چان این کشور علی‌رغم تفاوت اخیرشان با دولت دست به اعتضاب زدند. بدنبال اعتراض معدنجیان، کارگران راه آهن و ترانسپورت برای افزایش دستمزد اعتضاب کردند و کارگران شهرداری تهدید کردند که در اعتراض به سطح پایین دستمزدها در خیابان‌های بلگراد دست به تظاهرات خواهند زد. نرخ بالای تورم در این کشور دستمزد کارگران را بیش از ۲۰٪ کرده است. حدود یک میلیون کارگر بیکار شده و بسیاری از کارخانه‌ها تعطیل شدند. به گزارش خبرگزاری "تاجنگوگ"، روز اول ژانویه، رهبران معدنجیان در معدن "کولبارا" مدیریت و نایندگان دولت را در طی تفاوت‌نامه‌ای وادار کردند تا حقوق عقب مانده معدنجیان را پرداخت کنند. با اعتضاب معدنجیان برق در بعضی مناطق قطع شد و کشور را در خاموشی فرو برد. *

هندوستان،

مرگ ۵۵ کارگر معدن

روز ۲۸ ژانویه، اجساد ۵۵ کارگر معدن که در معدن زغال سنگ "تیوکندا" در شمال کلکته بمدت دو روز در اعماق معدن جیس شده بودند پیدا شد. روز ۲۶ ژانویه بدنبال انفجار و آتش سوزی که در این معدن رخ داد کارگران محبوس شدند و بر اثر تراکم گاز همکی جان خود را از دست دادند. *



فرانسه، هفته کار ۳۲ ساعت!

این طرح در پاریس به تصویب رسید. این طرح بصورت آزمایشی و داوطلبانه به اجرا در خواهد آمد و دولت به موسساتی که با اجزای آن به استخدام کارکنان جدیدی اقدام کنند، ۲ سال از نظر مالی کمک خواهد کرد. دولت با اجرای این طرح قصد ایجاد یک میلیون و نه صد هزار ایلی دو میلیون و دویست هزار شغل را دارد. *

تضمين شغلی در قبال گاهش دستمزد در آلمان

در حالیکه متوسط نرخ تورم ۳ درصد بیش بیش شده است. رئیس بخش اقتصادی بانک متعدد سوئیس در فرانکفورت اعلام کرد که اگر قرارداد دستمزد کارگران بخش شیمی‌کوتی برای ۱۵ ماهه کارگران، دستمزد کارگران بخش شیمی سالانه ۱/۵ درصد افزایش می‌باشد. *

بنابراین به این گزارش "رکسون سیلان"، رهبر اتحادیه آس، بی، آس، آی که سازمانده اعتصاب بود گفت: "اگر کارفرمایان از هزینه‌های پنهان بکاهند جا برای دادن حداقل دستمزدها وجود خواهد داشت". منظور وی از هزینه‌های پنهان رسوه‌ای است که به کارمندان میدهند و همچنین اضافه کرد که در کارخانجاتی که کارگران مدارس، بیمارستان‌ها و ترانسپورت عمومی در کشور را افزایش داده اند. *

در این اعتراض کارگران خواهان ۹ درصد افزایش دستمزد شدند در حالیکه پیشنهاد دولت ۲/۵ درصد افزایش دستمزد است. نرخ تورم در این کشور در سال ۱۹۹۴ حدود ۶ درصد بیش بیش شده است. به گفته اتحادیه‌ها بیش از ۹۰ درصد کل ۱۰۰ هزار تیپوی کار در بخش خدمات در این اعتراض شرکت کردند. *

باقیه از صفحه اول

ما پیوستن کارگران به دیسک بی وقه ادامه خواهد یافت. در سطح عضوگیری که الان قرار داریم بهترین جواب مناسب به کسانی است که ۱۲ سال جلو فعالیت ما را گرفته بودند. در حال حاضر امیدواری شرکت کردن. به گزارش "انتا"، دو میون بلوک اتحادیه ای، دلیلی است که نشان می‌دهد نیاز توان با زور حقوق دمکراتیک کارگران را غصب کرد. امیدواریم کسانی که قوانین مندیکائی به رخ ما می‌کشند و یعنوان ترسیدن را به رخ می‌کنند و بخوبی این اتفاق را حد نصاب از داشتن حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی محروم می‌کردند. ندهد برای روز ۱۶ فوریه فراخوان اعتصاب سراسری خواهد داد. *

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۱۱ فوریه به فراخوان بزرگترین اتحادیه اندونزی حدود یک میلیون کارگر برای تعیین حداقل دستمزد و حق تشکیل اتحادیه‌های پنهان بکاهند جا برای دادن اعتصاب ژندن در این اعتصاب بیش از ۲۰ رغیر و فعل اعتصاب دستگیر شدند است که به کارمندان میدهند و همچنین به گزارش روزنامه "داغنر نی هتر" چاپ شوند، اکثر کارفرمایان قانون حداقل دستمزد را نادیده می‌گیرند و به کارگران زیر این حد دستمزد را افزایش داده اند. *

ای. گ. متال بر سر دستمزد کارگران چندین ای. گ. متال بر سر دستمزد کارگران فرانسه که این اعتصاب به تیجه ۵/۵ درصد افزایش دستمزد جدید فدراسیون کارفرمایان پیشنهادات

ای. گ. متال در جنگ افزایش دستمزد

مرکز خبری کارگر امروز: روز ۸ فوریه، اتحادیه کارگران فرانس آلمان دعوت کارفرمایان را برای آخرین دور مذاکرات پذیرفت و اعتصاب سراسری نیز اعتصابات گسترهای ای در جویان بود. مذاکرات موکول کرد. به گزارش تایمزمالی، "کلاوس زیکلر"، رهبر اتحادیه کارگران فرانس آلمان که بیش از ۵/۵ میلیون عضو دارد برای پیشنهادات

جديد فدراسیون کارفرمایان حاضر به پذیرفته ای تعیین کرد. اگر مذاکرات به تیجه نرسد، اتحادیه کارگران فرانس آلمان بروزه رای گیری برای یک اعتصاب با تمام قوا را در میان اعضاش افزایش خواهد کرد. مهلت

کارفرمایان روز ۲۱ فوریه به پایان خواهد رسید.

در طی مذاکرات سالانه میان کارفرمایان و اتحادیه بر سر افزایش دستمزد، ۱۴۰ هزار کارگر عضو ای. گ. متال به فراخوان اتحادیه

امان کارفرمایان شهادی شرکت کردند. روز ۲۱ ژانویه، ۶۰ هزار کارگر در ۱۳۷ کمپانی در اعتراض به مقاومت کارفرمایان در مقابل خلیج مشاغل حاضر به بازیگری مطالبه ای. گ. متال اعتصاب را در ساعت کار است. اتحادیه حاضر نیست به قراردادی که به بیش از ۳۶ ساعت کار در

هفتگه منجر شود تن بدهد، اما کاهش ساعت کار در هفته را بعنوان راه حلی ای. گ. متال اعتصاب قابل مذاکره می‌داند. روز ۲۱ ژانویه، ۶۰ هزار کارگر در ۱۳۷ کمپانی در اعتراض به مقاومت کارفرمایان در مقابل مطالبه ۶ درصد افزایش

هزار کارگر در شیفت صبح در منطقه "باواریا" که بیش از ۸۰ کمپانی دارد اعتصاب کردند. از جمله اعتراض کمپانی های اتومبیل سازی بامو، و اوپد را در

دستمزد دست از کار کشیدند. بیش از ۴۰ هزار کارگر در شیفت صبح در منطقه "باواریا" که بیش از ۸۰ کمپانی دارد دستمزد را زیر پا بگذارند و تعیین میزان دستمزدها را به مذاکرات در سطح کارخانه ها موکول کنند. *

کارفرمای شکنجه گر

مرکز خبری کارگر امروز:

یک کارفرما در ترکیه یکی از کارگران ۱۶ ساله خود را

که به وی سو ظن دزدی داشت شکنجه کرد. به گزارش روزنامه حریت چاپ ترکیه، اولیای عیسی نوجوان ۱۶ ساله که چویان یکی از صاحبان شرکت مزارع و دامپروری است، هنگامی که وی به منزله مرتع کند در جستجوی وی بر می‌آیند و بالآخر به محل داداری می‌روند و فرزندشان را در حال نیمه اغما می‌یابند.

عیسی ماجرا را به خبرنگار حریت چنین تعریف می‌کرده است: "صاحبکارم مرا متهم به برداشت پولش کرد. در حالیکه من چنین جرمی را مرتکب نشده بودم. اما برای گرفتن اعتراف اول مرا لخت کردند و در آب سرد قرار دادند. سپس دستهای را به درختی بسته و پایهایم را به گاریستند و بدنم را کشیدند.

این شکنجه‌ها بین خانه‌ها و بخوبی این اتفاق را حد نسبت دادند. سه روز نان و آب بین ندادند. یک شب مرا به درختی بستند و تا صبح از آن درخت آویزان ماندم. من در تمام طول این مدت فریاد می‌زدم اما کسی بیadam نمی‌رسید. من نمی‌خواستم بیمیرم." *

به گزارش روزنامه لیبراسیون، لیست مراکز دولتی در فرانسه که قصد حذف مشاغل را دارند به قرار زیر است:

* ایر فرانس: با ۴۴ هزار کارکن، در برنامه اش پیش بینی حذف ۴ هزار شغل را کرد که فعلاً اجرای آن معلق مانده است.

* بول: با ۱۳ هزار کارکن، تا آخر سال ۹۴ پیش بینی حذف ۲۸۵ شغل را کرده است.

* شارسون: کارخانه اتومبیل سازی با ۲۰۰ کارکن، ۱۲۸۵ حذف مشاغل بطور قطعی و اعلام حذف ۱۱۱ شغل که فعلاً معلق مانده است.

* ای بالاف: با ۵۱ هزار کارکن، تعداد حذف مشاغل را اعلام نکرده است.

* صنایع نظامی: با ۱۲ هزار کارکن، طبق اولین برنامه اخراج و حذف مشاغل تعداد ۲۰۰ و یا با کاهش ساعت کار ۱۰۰ حذف مشاغل را تا پایان سال ۹۵ پیش بینی کرده است.

* زنون: با ۶۱ هزار کارکن، حذف شغل تا پایان سال ۹۳. * راه آهن فرانسه: با ۱۸۹ هزار کارکن، حذف ۶۰۰ شغل در سال ۹۲ و ۷ هزار در سال ۹۴.

* سنکما: سازنده موتور هوپیما، با ۱۲ هزار کارکن، حذف ۷۷۵ شغل تا پایان سال ۹۵ پیش از این طبق اعلام نکرده است.

* رون: با ۴۴۰ هزار کارکن، اعلام اخراج کارکن که فعلاً معلق مانده و حذف ۱۰۰ کارکن را از لیست جویندگان قطعی بین ۲۰۰ شغل تا پایان سال ۹۴.

* اس ان بی ای: سازنده مواد منفجره، با ۴ هزار کارکن، حذف ۱۰۷۶ شغل تا پایان سال ۹۵.

* تامسون: سی اس اف: کارخانه وسایل الکترونیکی: با ۴۴۰ کارکن، اعلام اخراج کارکن که فعلاً معلق مانده و حذف ۱۰۰ کارکن را از لیست جویندگان قطعی بین ۲۰۰ شغل تا پایان سال ۹۴.

* رون - پولن: کارخانه شیمیاتی با ۲۵۵۰ کارکن، سالانه حذف ۱۰۰۰ شغل.

* پیشیتی: کارخانه سازنده قوطی و مواد پسته بندی با ۳۲ هزار کارکن، تعداد حذف مشاغل را اعلام نکرده است. *

بیکاری در فرانسه

۱۵ درصد افزایش یافته است و این رقم نزد

بزرگسالان به ۲۰ درصد در سال من رسد. آنچه که این مسئله را عمیق می‌کند

مدت زمان بیکاری است. در حال حاضر ۱۰۲۲۳۰ نفر در بیکاری بیش از یک

سال پسر می‌برند و این تعداد ماهانه ۲

امان آنچه که به آگهی‌های اداره کاریابی مربوط می‌شود: *

تعداد آگهی‌های سی ستمبر ۹۳ نسبت به

سی ستمبر ۹۲ درصد افزایش یافته است و این رقم نزد

است، البته بیکاران انتشار یافته، افزایش قابل بحث است چرا که در آن درصد

شامل کارخانه‌ها است که نیزه و قوت با

آخرين آمار رسمي که از طرف وزیر کار در

رابطه با تعداد بیکاران انتشار یافته، افزایش ۶۹۰ بیکار را در ماه سپتامبر نشان

می‌دهد. بدین ترتیب تعداد بیکاران به ۳۲۵۰۰ نفر به شمار بیکاران

در سال ۹۴ افزایش شده است و این در حالیست که

تعداد بیکاران از ۲۴۶ هزار بیکار از لیست جویندگان

کارکن که فعلاً معلق مانده و حذف

۱۰۰ کارکن را از لیست جویندگان

روز ۱۱/۸ درصد جمعیت فعلی بیکاری در فرانسه

تعداد افزایش ۱۰/۳ درصد در انگلستان تخمین می‌زند.

کارگران و افزایش دستمزد

* قبل از انقلاب حقوق روزانه من برای سه کیلو گوشت کفاف
میگرد در حالیکه امروز حقوق یک روز من برای یک کیلو
گوشت هم نخواهد

حافظ تعادل بین حداقل معیشت با حداقل دستمزد
بدلیل کم لطفی های اعمال شده سالهای قبل، در
شرایط حاضر شاید به صورت یکجا مقدور نباشد

بادبان نماینده شوراهای اسلامی در شورایعالی کار:

کار و کارگر: اثر افزایش دستمزدها در رشد نرخ تورم را چگونه ارزیابی می کنید؟

علی اصغر بادبان: میزان دستمزد در
قیمت تمام شده از زمانی که محاسبات
مربوط بر مبنای ارزهای ۷۰ ریالی و
۴۰۰ ریالی و ۶۰۰ ریالی صورت می
گرفت بین حدود ۳۰ تا ۱۵ درصد
اعلام شد و در حال حاضر با توجه به
ارز شناور چه درصد قابل توجهی از
قیمت تمام شده را می توان متوجه
افزایش دستمزد دانست؟

با یک محاسبه ساده می توان ثابت نمود که تغییر حجم سرمایه در گردش یک واحد تولیدی که به عنوان مثال سالانه یک میلیون دلار معادل هفتاد هزار میلیون ریال بوده است در حال حاضر تبدیل به یکهزار و هشتصد میلیون ریال گردیده یعنی تقریباً ۲۶ برابر گردیده است در مقایسه با افزایش صد درصد دستمزد چه تناسبی خواهد داشت از طرف دیگر شاهد بوده این که در بعضی از سالها بدون افزایش حداقل دستمزد به هیچ وجه از میزان تورم کاسته نشده است طبعاً افزایش دستمزد اثر بسیار ناچیزی در تورم خواهد داشت و علت تمسک قراردادن افزایش دستمزد این است که تنها هزینه قابل کنترل است البته به قیمت بسیار سنگین و غیر مشهود تحلیل نیروی کار.

صورت انفجار قیمتها عمل نموده است
اختلاف سطح این دو حداقل را بسیار
شدید نموده است ولی یکی از خواسته
های جامعه کارگری سازگار و با شرف
کشور از دولت لائق حفظ ندرت خرید
یا حق ترمیم حقوق آنها مطابق با سال
جباری است. که در این راستا اطلاعات
ناصحيح و نادرست که از طرف بعضی
منابع آماری به خصوص بانک مرکزی
اعلام می گردد مسئولین رده بالائی
کشور و شورایعالی کار را در تصمیم
گیری دچار تردید می نماید. از طرف
دیگر پنج سال پیش دولت محترم اعلام
نموده است که در طی پنجمال سعی
خواهد شد تا فاصله بین حداقل
معیشت و حداقل دستمزد به مرور
تامین گردد که تاکنون هیچگونه
اقدامی در این زمینه صورت نگرفته
است. که می توان به عنوان یک
درخواست حق و یک ادعای قانونی
خواهستان در نظر گرفتن یک پنج
فاصله بین دو حداقل مبلغ ترمیم
ندرت خرید سال ۷۳ را شورای عالی
کار بررسی و تصویب نمایند.

تلخیص شده از: نشریه کار و کارگر،
ناشر افکار شوراهای اسلامی

کار و کارگر: با عنایت به اینکه در آستانه تصمیم گیری شورایعالی کار در خصوص افزایش دستمزد هستیم نظر شما پیرامون افزایش دستمزد کارگران جست؟

علی اصغر بادبان: یکی از ساده ترین قوانین موجود در هر کشور به خصوص در کشور جمهوری اسلامی ایران حفظ تعادل بین حداقل معیشت با حداقل دستمزد است، که می بایست مورد اجرا گذاشته شود زیرا یک حق ملی است. ایجاد تعادل و توازن بین این دو در شرایط حاضر بدلیل کم لطفی های اعمال شده سالهای قبل، در شرایط حاضر شاید به صورت یکجا مقدور نباشد زیرا با توجه به تورم های واقعی و عملی به خصوص در زمینه کالاهای و خدمات مرتبط با سبد هزینه خانوار کارگری که در طی سالهای اخیر به

* رضا اکبری نائب رئیس شورای اسلامی کارخانه چوبیران (سهما می خاص): در هر کشوری مناسب با رشد نزخ تورم، حداقل دستمزدها افزایش پیدا می کند و اگر رشد تورم یک طرفه باشد معیشت بمراتب سختر خواهد بود. از طرف دیگر اگر در صدی به دستمزدها افزوده شود و رشد نزخ تورم مهار نشود چیزی جز صرف هزینه عائد نخواهد شد.

در شرایط فعلی با نظارت دولت و تعیین قیمت مناسب برای انواع کالاهای بیویژه کالاهای اساسی یک خانواده ۴ نفری بدون برخی هزینه ها مانند مهمنانی، مسافرت، درمان، خرید لوازم خانگی، حوادث غیر متوجه، ایاب و ذهاب و استهلاک لوازم خانگی با حداقل امکانات و خرج بایستی ماهانه ۳۰۰ هزار ریال دستمزد داشته باشد تا با حداقل هزینه پوششک، خوراک و تحصیلی و کرایه خانه بتواند در شهری مانند تهران زندگم، کند.

به عقیده من تاکنون سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی آماری که در خصوص افزایش نرخ تورم و متوسط نرخ تورم پیش بینی و به وزارتاخانه ها و سازمانهای دولتی ارائه نموده است ۵۰ تا ۷۵ درصد با واقعیات مغایر بوده است. مثلاً بانک مرکزی متوسط رشد تورم جلوگیری نمایند.

نخ تورم را در سال ۷۲، ۲۵ درصد پیش بینی کرده بود در حالیکه فیتمها در بازار تا ۱۰۰ درصد افزایش را نشان می دهند.

* خانم فرخنده حیدر جزی از شرکت مصرفی لبنيات، پوشاك، برج، هر کروز: با روند فعلی رشد تورم و خانوار را تعیین و زندگی اشار حقوق افزایش قیمتها، پیش بینی برای سه بگیر را تامین کند.

* آقای گودرزی: یکی از عوامل افزایش قیمتها، اعلام افزوده شدن حقوق کارمندان و کارگران است که به آنها عمل نمی شود. به محض اعلام این گونه خبرها، بازاریان قیمت ها را افزایش می دهند.

* آقای حسن شاه: مشکل اساسی برای اشار حقوق بگیر در حقوق و نظران در امور اقتصادی براساس آمار و ارقام عمل می کنند.

نمایا به ارزش ریال و هزینه ها بر اساس ارزش دلار است، یعنی دستمزدها به ارزش ریالی افزایش می یابد در حالیکه کالا به ارزش دلار افزایش می یابد که اگر دولت بتواند اثر دلار را در کشور کم رنگ کند و نباید فراموش کرد سغلی گفاف حداقل مخارج را نمی دهد، بویژه با کم رنگ شدن توزیع کالاهای اساسی با سیستم کوپنی و بن کارگری که حداقل مایحتاج کارگران از طریق آن تأمین می شد، امرار معاش به مراتب سختتر است.

* آقای حیدر صادقی با ۸ سال سابقه کار و ۶ نفر عائله که نفر آن دانش آموز هستند: ماهانه ۹۰ هزار ریال کرایه منزل پرداخت می کنم و ۳۰ هزار ریال قسط وامی که بصورت وثیقه به صاحب خانه دادم پرداخت می کنم و در طول ماه هر دانش آموز حداقل یکبار نامه از مدرسه مبنی بر گمک اولیا برای تعمیر، رنگ کاری و می باشد.

از روزنامه: کار و کارگه

توزم در جامعه هم شده و سورا یعالی
کار در رفع آن اختیاری ندارد، بلکه
مسئلیت و وظیفه قانونی سورا یعالی
کار ترمیم دستمزدها متناسب با
افزایش تورم است تا کارگران که قشر
بسیار وسیع و بزرگی از جامعه را
تشکیل می‌دهند، در زیر این فشار
فرماینده، نایبود نشوند.

سخن بالا به معنی این نیست که باید امور صنفی، قشری، گروهی و ... نگریسته شود، بلکه بر عکس نوعی تقسیم مستولیت و اختیار و حدود وظایف است که از ارکان او لیه علم مدیریت و اداره جامعه بشار می رود و بدون آن هیچ فعالیتی ممکن نیست. البته بیان این مستوله نفی کننده مستولیتهای ملی و اسلامی همه ارگانها و نهادهای جمهوری اسلامی در جهت حفظ استقلال اقتصادی کشور و تحقق آرمانهای الهی انقلاب بشار نمی رود و هدف این است که راه حل مشکلات از مجرأ و جایگاه قانونی خود اجرا شود. همچنین ثابت ماندن دستمزدها نیز نه تنها مشکل را حل نمی کند، بلکه آن را پیچیده تر خواهد ساخت.

براساس آمارهای اعلام شده از سوی
بانک مرکزی شاخص قیمتها در سال
۷۲ براساس سال پایه ۶۱ بر مبنای
۱۰۰ به عدد ۶۰۰، رسیده و به
عبارت دیگر قیمتها نسبت به سال ۶۱
در سال جاری ۶ برابر شده در حالیکه
دستمزدها تنها ۳ برابر افزایش یافته
است. این در حالی است که شیوه
آمارگیری بانک مرکزی همه کالاهای و
خدمات را در بر نمی گیرد و تنها
چند قلم محدود از کالاهای در سبد
موردنظر وجود دارد. واضح است که
این ارقام با یکدیگر تناسبی ندارد و
به عمیق تر شدن شکاف فقر و غنا
منجر خواهد شد. اگر استقلال اقتصادی
بقیه در صفحه ۱۱

مسئولیت شورای عالی کار و دستمزد کارگوان
قیمتها نسبت به سال ۶۱ در سال جاری ۶ برابر شده در حالیکه
تمزدها تنها ۳ برابر افزایش یافته است

از روزنامه: کار و کارگر، ناشر افکار
شوراهای اسلامی

اندیشی نماید.

در همین حال زمزمه هایی شنیده می شود مبنی بر اینکه بدلیل مشکلات نقدینگی کارخانجات، رکود در فروش و تولید، کاهش قیمت نفت و ... افزایش دستمزدها منجر به افزایش بیکاری خواهد شد و شرایط اقتصادی و تولیدی کشور کشش افزایش دستمزد را ندارد. البته مشکلاتی که به آن اشاره می شود، در همه بخش‌های صنعت وجود ندارد و یا حداقل بطور یکسان همه واحدها و رشته‌ها با این مشکلات مواجه نیستند و متناسب با میزان ارزی، درجه استفاده از تکنولوژی، وضعیت بازار تولید و فروش، وضعیت طی روزهای اخیر، بحث پیرامون تعیین حداقل دستمزد کارگران از سوی شورایعالی کار، در مخالف کارگری، به شکلی فراگیر مطرح است و علت آن هم این است که براساس ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران، شورایعالی کار وظیفه دارد، هر ساله متناسب با افزایش نرخ تورم در جامعه، حداقل دستمزد کارگران را ترمیم و میزان افزایش سالیانه در دستمزدها را رسما اعلام نماید.

شورایعالی کار طی سالهای اخیر، به ویژه در دوران جنگ تحمیلی با لحاظ نمودن شرایط اقتصادی و صنعتی کشور همواره بسیار کمتر از نرخ واقعی تورم در جامعه، به ترمیم دستمزدها پرداخته است تا جانشی که امروزه شاهد شکاف عظیمی بین هزینه و درآمد کارگران هستیم. این وضعیت موجب شده است که دستمزد کارگران که قشر بسیار وسیعی از جامعه را تشکیل می‌دهند و کار و تلاش آنها در تولید و استقلال اقتصادی کشور تعیین کننده است، نتواند حداقل معیشت آنها را نیز تأمین نماید. در این شرایط چند شفله شدن کارگران، گرفتاریهای روحی و روانی، عدم انگیزه لازم در بکارگیری خلاقیت و توان و ... اثرات منفی و مخربی هستند که بدون شک از تاثیرات مستقیم مشکلات اقتصادی این قشر زحمتکش است و شورایعالی کار در رفع این مشکل باید چاره

دعا بر سر قانون کار اسلامی موهبتی برای شوراهای اسلامی

شود و دولت نقشی در روابط کارگر و کارفرما نداشتند.

در این کشاکش به طور تلویحی به قانون کار فعلی جمهوری اسلامی، که حقوق اساسی نظری حق اختصاص و حق تشکل و ۴۰ ساعت کار را به رسیدت نمی شناسد، نوعی مشروعت داده شد. چرا که از زاویه بس مرتعج تو و عقب مانده تر مورد حمله قرار گرفت. این تعرض ریاکارانه به کارگران ایران است که حقوقی بسیار فراتر از قانون کار فعلی را طلب می کنند. از سوی دیگر دعوا بر سر قانون کار، به شوراهای اسلامی خواک تبلیغاتی وسیعی داد تا خود را مدافعان حقوق کارگران معرفی کنند.

شرایط کار کارخانه شفافیت کار

جهنمی غرق در دود...

بقیه از صفحه ۳

شیوهای تولیدی مشکلات استخوانی و کمر درد و دیسک برای کارگران فراهم آورده است و موارد متعددی از سقوط این قطعات و آسیبهای استخوانی و قطع انگشتان رخ داده است و عیناً پرسنل تعمیراتی بعلت فقدان چربی و ضرورت حمل نوارهای نقاله و گیریکها و سایر ادوات و جوشکاری در ارتفاعات مختلف با مشکل سنگینی قطعات و پی آمدگاه آن مواجه می باشدند.

در پایان همچنان که پیش از این نیز گفته شد شفافیت کار جهنمی است که موجوداتی انسانی محکوم به شکنجه ای جاودانه در آن مقیند و آنان که به مرز بازنشستگی در چنین محیط کاری می رستند اغلب چند ماهی پیش دوام نمی آورند و بسیاری نیز هنوز به سن بازنشستگی نرسیده به کام مرگ فرو می روند.

مجموعه ای که پیش از این گذشت و صرفاً محیط طبیعی کار و ماشین آلات و فضای تولید را مشخص می سازد اگر با مجموعه روابط انسانی غیر عادلانه ممزوج شود آنگاه فاجعه چیز این کارگران به مراتب دردناکتر جلوه خواهد کرد. حقوق اندک تکافی مشکلات و نیازهای اقتصادی کارگران را نمی کند از اینرو آنان ناگزیرند برای تامین معاش عائله خود تن به کار اضافی در چنین محیطی بدنهند. کارفرما با تکیه بر این کار اضافی از ضرورت استخدام افراد جدید طفره رفت و کارگران نیز فریفته این نیزینگ به اضافه کار دل خوش کرده اند، غافل از اینکه در چنین محیط کاری سخت و زیان آوری ساعات معمول کار خود آسیب رسان است تا چه رسد به اضافه کاری که در واقع خوبند روح و جان آنان خواهند بود. کارفرما با اجتناب از استخدام کارگران جدید و تحمیل آن به کارگران موجود و یا کارگران موقت و بوزمود از تعهدات مختلف قانونی خود شانه خالی می کند.

* * *

در پایان این گزارش، نویسنده نامه از مسئولین جمهوری اسلامی سوال کرده است که آیا برای چنین شرایط کاری، قانون کار فعلی جمهوری اسلامی را "زياد" می بینید؟

سیاستهای تعديل اقتصادی باید رهگشای حلال مشکلات اقتصادی کشور باشد، نه آنکه کارشناسان محترم سازمان برنامه و بودجه به اتکاء نسخه های عرضه شده توسط بعضی از سازمانهای کارگران آزاد جهان که متعلق به مجمع بین المللی سوسیالیزم اروپائی است و سیاستها، بطلاً آن نیز روشن گردیده، موجبات ناخشنودی مستضعفان و بیوه کارگران که تکیه گاه اصلی انقلاب اسلامی می باشدند را فراهم آورند.

۳ - ما این غم بزرگ را به کجا ببریم در حالیکه ضد انقلاب و سنديکاهای کارگری وابسته به صهیونیست دانما جامعه کارگری جمهوری اسلامی را مورد سوال و استیضاح قرار می دهند، سازمان برنامه و بودجه نیز با پیشنهاد مذکور به طریقی دیگر جامعه کارگری را آزده خاطر می کند. اطمینان داریم رهبری انقلاب اسلامی و شکیباً را محترم از موضع بحق جامعه کارگری حمایت خواهند کرد.

در پایان این قطعنامه کارگران به "صیر

و متنات، رعایت انضباط کامل و افزایش تولید" فراخوان داده شده اند.

در ادامه همین تلاشها در روز ۲۹

وی همچنین به مواد پیشنهادی سازمان برنامه و بودجه در رابطه با شوراهای اسلامی اشاره کرد و گفت امروز دستهای مشخصی علیه شوراهای و قانون شوراهای تبلیغ می کند، گزارش اتحادیه بین المللی که به اعتراض طراحان این سیاستها، بطلان آن نیز روشن گردیده، کارگران که به مطلع می باشدند که به طرفداری از اسلامی می باشند را شاهد صهیونیستها و ارتباطات با دستجات متفاوت می باشند را ایجاد کرد

یک فرد سرمایه دار هر کار دلش خواست بکند. حتی در کشورهای غرب نیز چنین سیستمی را شاهد نمی شود. ما در صدد شکایت به یکی از مراجع بین المللی تلویحی که مدعیان قانون کار جمهوری اسلامی خواهان بازگشت ماده ۲۳ معروف قانون کار زمان شاه هستند، گفت: لیه نیز کسانی که می خواهند نیروی کار را اخراج کنند، متوجه افراد مذهبی، بسیجی و آمران به معروف و ناهیان از منکر است و اگر یک نظام کنترلی از خود نشان داده و سعی کنند اصلاح را بر محیط های کارگری حاکم کنند.

سخنران دیگر این جلسه "تاج الدین"

دیگر اجرانی خانه کارگر اسفهان بود،

وی اظهار داشت: تجربه به ما نشان

داده است که موضع تدافعی مسئولین

حقیقت عدم آشنایی آنها به مفاد قانون کار چنین جوی را ایجاد کرده است. دیگر کار گفت: دور از انصاف است که پیشنهادی برname سیاستی اسلامی طی لایحه تغییراتی در قانون کار توسط دولت شد. این پیشنهاد با عکس العمل تند وزارت کار، شوراهای اسلامی و برخی از امام جمعه ها روپروردید و به یک کشاکش وسیع تبدیل شد. متن تبصره ۴۸ لایحه پیشنهادی برنامه دوم، منتشره از جانب سازمان برنامه و بودجه از اینقران بود:

"تصویب ۴۸: (الف) دولت موظف است ظرف مدت ۴ ماه از تاریخ تصویب این قانون، لایحه اصلاحیه قوانین کار، تامین اجتماعی و تشکیل شوراهای اسلامی کار را به نحوی تهیه و به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید که: هر گونه توافق بین کارگر و کارفرما که مقررات اسلامی دیدگاری و حفاظت فنی، بینمه اجباری و موافقت نامه های بین المللی کار را نقض نکند، محترم شمرده شده و لازم الرعایه گردد.

- هزینه های مربوط به تامین اجتماعی و امکانات رفاهی، از هزینه های حقوق و دستمزد تفکیک گردد و تامین اجتماعی فراغیر توسط دولت و به هزینه مشترک کارگر و کارفرما تامین گردد.

- نظام روزمزدی به سمت نظام کارگردانی سوق داده شود.

- دخالت مستقیم دولت در روابط کار به حداقل ممکن برسد.

- کلیه موانع موجود در راه انتقال کارکنان بخش دولتی به بخش خصوصی و بالعکس برطرف گردد.

- افزایش و یا کاهش دریافتی های کارکنان اعم از دولتی و خصوصی بدون قید و محدودیت با بالا رفتن و پائین آمدن کارآیی آنان متناسب گردد.

- در تدوین قوانین و مقررات از ورود فراخواند. در این جلسه که روز ۲۲ آبانه برگزار گردید، علیرضا مطالب صریح، روش و غیر قابل تفسیر به رای، تنظیم گردد."

این لایحه پیشنهادی، که در صورت تصویب در هیات دولت و سپس امکان و آزادی است که نیروهای مومن و مسلمان دارند و اگر اختیار از دست آنها خارج شود، مشکلات بسیاری گریبانگیر این مجموعه خواهد شد.

روز دوشنبه ۲۴ آبانه، حسین کمالی وزیر کار طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که مواد پیشنهادی سازمان برنامه و بودجه به کارفرما برای اخراج انتیار کارگران هستند گفت: مشکل اصلی صنعت ما در حال حاضر مساله سلب اختیار کارفرما برای اخراج در صنایع و واحدهای تولیدی نیست، چرا که از جمله در آن عضویت دارد) نبوده و تصویب آن در هیات دولت تقریباً متفق است.

دیگر که بکار گیری نظام کارگردانی بجای روزمزدی در بسیاری از صنایع قابل اجرا نبوده و موجب بروز حدود ۷۵ درصد اختلافات که متقاضی اخراج نیروی کار بوده اند، به نفع مشکلات بسیاری خواهد شد. وی گفت که آماده میاخته با مدعیان قانون کار اسلامی است و اضافه کرد: در جلساتی که با کارشناسان معتبرض به ماده قانون کار داشته ایم به این نتیجه دیگر ایم که اصولاً این افراد مطالعه ای در مورد این قانون نداشته و در



اجتماع فعالین شوراهای اسلامی در اعتراض به تغییر قانون کار در استادیوم ورزشی شهید معتمدی

آبان جلسات و مراسم در خانه کارگر شهرهای مختلف برگزار گردید، علیرضا مطالبی با اشاره به اینکه بسیاری از کارگران زیر خط فقر زندگی می کنند.

گفت: از آنای روغنی زنجانی رئیس سازمان برنامه و بودجه می خواهیم اجتماع کردند و با شعارهایی نظری حال که قانون کار ما دچار نقص است، قانون کار کشورهای پیشرفت را برای "خامنه ای، خامنه ای خدا نگهدار تو" تهاشی، هاشمی، حمایت می کنیم،

در این جلسه برگزاری هر چه با شکوهتر" روز ۲۹ آبانه انتیار مفایر اسلامی است" و "مرگ بر منافق" پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه مبنی بر تغییر قانون کار جمهوری اسلامی را می اجرا بگذارند.

در این جلسه برگزاری از نفع سرمایه دار، مفایر اسلامی است" و "مرگ بر منافق" پیشنهاد سازمان برنامه و تاکید گردید، و در پایان تغییر قانون کار به تصویب رسید که از جمله در آن

آمده است: "جامعه کارگری چون گذشته خود را مقتید به دفاع از حکومت اسلامی و تبعیت از رهبری انقلاب می داند و اعتقاد دارد که رهبری انقلاب اسلامی که مستولیت سیاستهای کلی نظام

جمهوری اسلامی بر عهده معظم الله می باشد اجازه نخواهند داد که قوانین کار و تامین اجتماعی و خواهان این شده بودند که همه چیز براساس توافق مسئولیت کارگر و کارفرما (اصل تراویث طرفین) تنظیم ۲ - ما بر این اعتقاد هستیم که

بارلمنی سوییال دموکراسی و پست
های تخصصی اتحادیه ها را پر کرده
اند، باید به فکر منتفعت اقتصادی و
حقوق سیاسی اش یعنوان کارگر باشد.
این واقعیت که انشار غیرکارگری و
جنیش های غیر کارگری، از دموکراسی
و سوییال دمکراسی تاجنبش محیط
زیست و ناسیونالیسم و غیره دارند، در
جدائی از کارگر و اندیشه های کارگری
از هم سبقت میگیرند، کارگر امروز را
به تعمق درباره هویت طبقاتی ویژه خود
آنکارگر میکند. بنظر من دهه نود کارگر
را در قامت سیاسی و مبارزاتی
جدیدی در برابر خود خواهد یافت.

مارکسیسم چطور؟ موقعیت و
دورنمای مارکسیسم را چگونه می
بینید؟

مارکسیسم بعنوان یک اندیشه و نگرش کارگری به جهان و به مبارزه برای تغییر جامعه بنظر من تازه در این دوره میتواند به جلوی صحنه رانده بشود. تازه گریان کارگر دارد از هزار و یک نوع شبه مارکسیسم طبقات دارا خلاص میشود. میدانم که این واقعه نه نتیجه تعرض فکری و عملی مارکسیسم و سوسیالیسم کارگری بلکه حاصل

ورشکستگی اقتصادی و سیاسی قطب های شبه سویسیالیستی در برابر جناحهای دیگری از خود بورژوازی است. اینرا هم میدانم که این اوضاع عرصه را بهر حال بر اندیشه سویسیالیستی و جنبش سویسیالیستی از هر نوع تنگ میکند. اما بهر حال، فشارهای ضد سویسیالیستی زود گذرند.

نفس وجود سرمایه داری به سوسياليسم کارگری، و نگرش و تشریی ویژه اين جنبش يعني مارکسيسم زمينه ميدهد. تا کارگر و سرمایه دار هست مارکسيسم هم هست. اما اينبار اين مارکسيسم بهر حال و طي هر روندي که پيش آمده، گريبان خود را از گرایاشاتي که به اين نام دنبال منافع غير کارگری بوده اند خلاص کرده است. بعنوان يك مارکسيست، بعنوان يك فعال جنبش سوسياليسم کارگری، شخصا احساس ميکنم راه پيشروي امروز بسیار باز تر است. از اين گذشته اگر بناست جامعه بطور کلی از نو راجع به بسياري از بنیادهای خود فکر کند، اگر بناست دمه نود دوران کشمکش افهای اجتماعی در جامعه باشد و اگر بروزوازي میرود تا ذر يك آشفتگي و خلا، ايدنولوژيکي گرفتار بشود، که بنظر من همه اينها خصوصيات اين دمه خواهد بود، آنوقت مارکسيسم بعنوان يك افق معتبر بار دیگر به پيشاپيش جامعه رانده ميشود. در اين شک ندارم.

جنپیشهای ناسیونالیستی در شوروی
بالا گرفته است. آینده اینها چیست.
آیا مورد استقبال جهانی قرار

یکی از گرایشات اجتماعی که با اضمحلال بلوک شرق پا به میدان گذاشته ناسیونالیسم است. ناسیونالیسم یک عمر گرایش عزیز کرده در جامعه بورژوازی بوده است. همه قربان پرجم کشورشنان رفته اند و هیچکس بایت این

۱۳ پیشنهاد در صفحه

جنوبی و غیره می بینیم. ها بود که در سیستم قلی جانی پرای خود داشتند. زدن اتحادیه ها به اعتبار ورشکستگی سویال دموکراسی و دست بالای سیاسی و ایدئولوژیکی محافظه کاری جدید ممکن شده بود. امروز عواقب مخرب این سیاستها برای کارگر، مانند بیکاری، از کف رفتن خدمات اجتماعی و غیره بیش از هر زمان محسوس شده و در عین حال انسجام سیاسی و ایدئولوژیکی راست از بین رفته است. در کل اروپا مساله بیکاری و کار بدون تامین، مساله ساعت کار و غیره دارد به یک نقطه تمرکز برای تحرک جدیدی در جنبش کارگری تبدیل میشود و در عین حال بورژوازی اهرم های بیشین خود برای

مسئله دموکراسی بعنوان یک سیستم تفکر سیاسی و یک نظام اداری معین فکری و سیاسی در خود غرب برای بازیابی یک سیستم ایدئولوژیکی رسمی و یک چهارچوب نکری مسلط برای سرمایه داری معاصر است. در اروپای شرقی، در سرمایه داری دولتی، مکانیسم تغییر ریل اعلام پرستویکاها و گلاسنوت ها توسط دولت است. در غرب، و در شرق نیز بدروج ای که بازار پای خود را سفت میکند، مکانیسم پیدا شدن چهارچوب های فکری و سیاسی جدید نبرد واقعی و بالغفل نیروها و گرایشات اجتماعی در سطح مختلف است. این شروع شده. این را در انگلستان، آلمان، اسرائیل، سوریه، کشورهای خاورمیانه، آفریقای

نیست که باید با غربی شدن اروپای شرقی و وحدت دو آلمان کاملاً مورده تجدید نظر قرار بگیرد، بلکه تمام خطوط سیمای انسان غربی باید باز تعریف بشود. تحولات شوروی و اروپای شرقی تقسیم کار جهان سرمایه داری بطور کلی را دچار ابهام میکند. با ادغام بازار کار و کالا در بلوک شرق در یک بازار واحد جهانی تمام معادلات اقتصادی تاکنونی که کشورهای مختلف و افشار و طبقات مختلف در طول چند دهه جای خود را در آن پیدا کرده بودند از تو باید تعریف بشود. این مسائل مجدد باز میشوند و نیروهای اجتماعی برای به کرسی نشاندن پاسخ خود به مصاف باهم کشیده میشوند.

تحولات اروپای شرقی و شوروی
از خان تعمامی جهان را بخود معطوف
کرده است. واقعیت هم اینست که ما
در دوره تاریخی تعیین کننده ای
بسیار می بیم. با اینحال نتایج این
رویدادها برای غرب و پیکره اصلی
جهان سرمایه داری کمتر مورد بحث
و بررسی بوده است. فکر میکنید
وقایع اروپای شرقی چه نتایج و
تأثیراتی بر خود غرب "پیروز" دارد.

تأثیرات فوری این تحولات در درجه
اول برای مردم اروپای شرقی و شوروی
محسوس میشود. در این شک نیست.
اما آنچه که دده نود را برای دنیا به
یک دوره تعیین کننده تاریخی تبدیل
میکند، بنظر من نتایج این روند در
مقایس بین المللی و اساساً در خود

نحوالت اروپائی شرقی و آینده سوسياليسم کارگری

مصطفیٰ منصور حکمت مصاحبہ

سه سال و نه ماه قبل که مصاحبه منصور حکمت تحت عنوان "تحولات اروپای شرقی و آینده سوسیالیسم کارگری" در اولین شماره کارگر امروز بچاپ رسید، جهان تحت تاثیر تبلیغات رسانه‌های گروهی روی وقایع اروپای شرقی فوکوس کرده بود و آینده جهان پس از جنگ سرد را "صلح و صفا و رفاه" می‌دید. منصور حکمت در این مصاحبه وقایع اروپای شرقی و شوروی را پیش درآمد حمله به سطح معیشت طبقه کارگر در این کشورها و قوع تحولات عظیم تری در بلوک پیروز، از جمله ایجاد یک بحران ایدئولوژیک و هویتی در غرب دانست. وی تحلیل احزاب بورژوازی در اپوزیسیون ایران که تحولات اروپای شرقی و شوروی را مقدمه ایجاد دموکراسی در ایران و "پایان عصر دیکتاتوریها" می‌دانستند به تمسخر گرفت.

امروزه تلاش ایدئولوگهای غرب برای ساختن یک هیئت مشترک برای بلوک اصلی سرمایه داری جهان (غرب) پس از جنگ سرد، که "روپارویی تمدنها" جدی ترین آنست، حتی بارقه هایی از موفقیت را نیز در بر نداشته است. چاپ این مطلب را از این رو مفید یافتیم که حتی امروز نیز هستند کسانی که متوجه وقایع و دورانی را که در آن بسرمی ببریم نیستند.

داری مبتنی به بازار بر این مدل است. تمام بحث های مربوط به پیروزی دمکراسی بر توتالیتاریسم، پایان کوئیسم، پیروزی غرب و غیره همه اشکالی است که دنیا امروز، یا لاقل آنهایی که در دنیا امروز پوش را دارند که آزادی بیان داشته باشند، از همین واقعیت اقتصادی حرف میزنند. وقتی به این تحول پایه ای اقتصادی نگاه میکنید می بینید که اتفاقاً این جهان غرب و بلوک به اصطلاح پیروز است که با این رویداد وارد یک فاز

ارعاب سیاسی و فکری جنبش کارگری و بسیج ضد کارگری اشار میانی را از دست میدهد. ثانیاً، افول اتحادیه ها که لطمات فوری مهمی در زندگی این نسل از کارگران داشته در عین حال فضای برای فکر تازه و روش های آلترناتیو در سازمانیابی کارگری در اروپا بوجود آورده است. اعتراض رادیکال تر خارج از چهارچوب اتحادیه های موجود، برای افتادن حرکت هائی برای "دموکراتیزه کردن اتحادیه ها" و یا اساساً ایجاد آلترناتیو های کارگری در برابر اتحادیه های تاکنوئی، جهتی است که جنبش کارگری به خود گرفته است. این یعنی امکان بروز رادیکال تر و بنظر من کارگری تر اعتراضات و پیدا شدن جنبشهای کارگری که بتوانند اقعاً به مساناً مسم طبقه در این

خلاصه کلام تهولات اروپای شرقی سر آغاز یک دوره پرتلاطم در کل جهان است که کانون اصلی و منبع بی شماری در آن نه اروپای شرقی بلکه غرب خواهد بود. مسائل گرهی اقتصادی باید حل و فصل شوند که یکبار دیگر سرنوشت همه، از کشورهای صنعتی پیشرفته تا کشورهای به اصطلاح جهان سوم را، رقم میزنند. تمام قول و قرارهای و نقشه ها و الگوهای اقتصادی سیاسی، نظامی و غیره تاکتونی بور مصرف میشوند و باید از نو و ب شرکت مدعیان بیشمار تعریف شوند همه اینها خود را در یک آشتفتگی تلاطم سیاسی و ایدئولوژیک در غرب و "جهان آزاد" سابق نشان خواهد داشت که به نوبه خود تصورات فعلی، و بوسیله تبسیم فعلی، ڈونالسیسم غربی، دربار

در جامعه بورژوازی است. میگویند دموکراسی در این میان پیروز شده است. کدام دموکراسی پیروز شده است؟ آن مجموعه ای از باورها و نیت های که پرسنل های خوش قلب و رادیکالهای سابق و غیره در ذهن خود دارند و تصور میکنند حرف آخر در آزادخواهی بشر است، یا دموکراسی عملی، واقعی و فرموله ای که ایدئولوژی حاکم در غرب بود و چهارچوب فکری و تبلیغاتی "جهان آزاد" را میساخت؟ دمکراسی هیروشیما، جنگ سرد، کشتار در ویتنام، کودتاهای سیا، دیکتاتوریهای نظامی، اشغالگری، نواپرسنی و سرکوب اتحادیه های کارگری. دمکراسی نیکسون، تاجر، ریگان، تایمز و اکنون میست. سرون از دانشگاهها و

جهان شکست خورده قرار گرفته است که این تفاوت را کمیابیش تعریف شده است. باید خود را به دیروز غرب شیوه کنند. اما همین تحول بلوک پیروز را در قبال حال و آینده اش دچار تناقضات و ابهامات و آشتگی های اساسی میکند. فوریتختن بلوک شرق سوالات اساسی را در برابر اقتصاد سیاسی و نظام فکری جهان غرب میگذارد و سرآغاز کشمکش‌های اجتماعی وسیعی برای تعیین تکلیف اینها خواهد بود.

تاثیر این موقعیت بر جنبش طبقاتی
و مسازیات کارگری حست؟

اخير کارگر امروزی هويت و پژوه طبعتان خود را بهتر حس ميکند. همه دارند جشن دموکراسی ميگيرند، کارگر آلمان شرقی و لهستانی، کارگر روسی در ليتوانی و استونی و غيره تازه دارد ميفهمد که خود او را قرار است به نيش بکشند. برای کارگر اروپای غربی اين دارد مفهوم ميشود که پشت همه اين قيل و قال در مورد حقوق بشر و دموکراسی بالاخره خودش و فقط خودش، و بدون هيچ نوع انتظاري از خيل تحصيل کردنگانی که کرسن هاي

به نظر من دهه نود بطور کلی دهه
بالا گرفتن جنبش های اعتراض
کارگری در دل خود اروپا خواهد بود
به چند دلیل. اولا، تعریض راست جدید
تاجیریسم و اقتصاد ریگانی حدود یک
دهه طبقه کارگر را زیر فشار گذاشت
است. جزء لایتجزای این سیاست بریده
صدای تشکلهای کارگری نظیر اتحادیه

تمام ابعاد بخود داشت. نه فقط د آرایشها و وحدت های سیاسی نظامی دولت ها، بلکه در تمام سازمان تولید، استراتژی رشد و توسعه، و د کل سیستم فکری جهان غرب مهر ای تقابل را میتوان دید. امروزه فقه پیمان ناتو نیست که با حذف عمل پیمان و روش زیر سوال میرود، فقه طرح بازار متحده اروپا بعد از سال ۲

عمدتاً ناظر به رعایت کردن قواعد و قوانین جریان حزبی و یا دولتی ای است که اتحادیه ها به آن تعلق دارند. در سیستم فکری اتحادیه، کارگران بعنوان یک طبقه در مقابل سرمایه داران بعنوان طبقه ای دیگر قرار نمیگیرند. چیزی که بعنوان مبتنی توسط جنبش اتحادیه ای و این همبستگی طبقاتی کارگری بلکه همبستگی بین اتحادیه ها بعنوان نمایندگان کارگران "اصناف" مختلف است. خصلت صنفی اتحادیه نتایج معلومی برای کل طبقه دارد. اتحادیه که قرار است از منافع معینی از کارگر رسته خود دفاع کند، عموماً توزیع نابرابر ثروت در جامعه و پنجک نسبت به منافع و مسائل کل طبقه آوردن ارزش اضافی ناشی از کار طبقه لاقید و بی وظیفه میشود. آگاهی ای که کارگر از اتحادیه میگیرد آگاهی صنفی است. کل آموزش هاشی هم که توسط اتحادیه به کارگران داده میشود در این محدوده بوده و غالباً اتحادیه بر اساس همین صنفی گرانی ترتیب میشوند. یکی از نتایج این صنفی گرانی رقبتی است که بین اتحادیه ها بوجود می آید و به کارگران هم سوابی میکند. حتی کتابهای تاریخ جنبش کارگری برای این یونیونیسم نوشته میشود و علاوه براینکه تفسیر خود را از مبارزات کارگران میهندند، در مواردی هم تلاشهایی را که به سنت یونیونیسم تعلق ندازند قلم گرفته اند.

روایت یونیونیسم از مبارزه طبقاتی، و بارآمدن فعلیین و کادرهای جنبش اتحادیه ای در محدوده افکار و آرای سوسیال دمکراسی و رفرمیسم و تاثیر گذاری آنان روی توده کارگر باعث میشود که در طبقاتی کارگر ناقص و محدود گردد و این به تثیت ایدئولوژی بورژوازی در جامعه کمک میکند. بنابراین در چنین مکانیزم و تفکر حاکم، زیر سوال بردن استثمار کار مزدی اساساً در جنبش اتحادیه ای جانی ندارد. لذا "حاکم کردن افق ضدرسماهی داری بر اتحادیه ها" اگر اراده ای دلخواهی نباشد، ناشی از درک محدود از جایگاه اتحادیه است. بطور خلاصه باید گفت که اتحادیه آن نوعی از تشکل کارگری است و از چارچوب قانونیت بورژوازی نمیتواند فراتر برود، این جزو تعریف اتحادیه است و نمیتوان آنرا قلم گرفت. بعنوان مثال، اگر در زمان اعتساب فرمان دولت مبنی بر بازگشت به سر کار توسط اتحادیه اجرا نگردد، رهبران دستگیر میشوند و دارانی های اتحادیه ضبط میشود. بخصوص در کانادا بدليل غیر قانونی بودن اعتسابات حیاتی و صنفی گرانی اتحادیه، خارج از محدوده قوانین، اتحادیه کاری از دستش ساخته نیست. از اینرو این به خاصیت اتحادیه تبدیل میشود که عمل مستقیم و دخالت کارگر را کنترل کند و برای اینکار کارگر را با توجه دادن به قانون محاب نماید. اکثر اعتراضات غیرقانونی، خارج از قواعد و مقررات اتحادیه صورت گرفته که اتحادیه در کنترل آنها نقش اساسی ایفا نموده است و تاریخ مبارزات کارگری شاهد این نقش اتحادیه است.

رابطه رفرمیسم و اتحادیه ها، منشاء بحران یونیونیسم

یک نکته اساسی در بحث امیر پیام اشکال متده است که وی در برخورد

سیاسی، آلترناتیورهای اقتصادی برای کل جامعه، سیستم اداری خاص خود و غیره را نیز طلب میکند و لازم دارد^(۱). آیا این جنبش اتحادیه ای بعنوان بازوی کارگری حرکتی که ذکر شد، میتواند شیفت اساسی مورد نظر امیر پیام را بیابد و افق ضد سرمایه داری بر آن حاکم گردد؟ اگر اتحادیه را آنطور که هست و طی چند دفعه که به جز لاینفک سوپیال دموکراسی تبدیل شده در نظر بگیریم، آنگاه باید گفت که اتحادیه نهادی است برای فروش نیروی کار که بر سر قیمت آن با کارفرما چانه میزنند. سوپیال دمکراسی بر استثمار سرمایه داری، توزیع نابرابر ثروت در جامعه و پنجک آوردن ارزش اضافی ناشی از کار طبقه لاقید و بی وظیفه میشود. آگاهی ای که کارگر از اتحادیه میگیرد آگاهی صنفی است. کل آموزش هاشی هم که توسط اتحادیه به کارگران داده میشود در این محدوده بوده و تقسیم

اساسی بدنه آنگاه در صفت مقدم مبارزه برای نابودی سرمایه داری قرار میگیرند. البته شروع این آهنگ قرار دارد^(۱). آیا این جنبش اتحادیه ای بعنوان بازوی کارگری حرکتی که ذکر شد، برای پیام را اینموضع و استدللات مقاله لازم می شود که به نکاتی کلی درباره اتحادیه، منشاء بحران یونیونیسم و رابطه رفرمیسم و ترتیب ایشان از اتحادیه ها میخواهد (البته اگر آنها بخواهند) که با برای اتحادیه را بروند شوراهای کارگری مجتمع عمومی بروند شوراهای کارگری را پایه ریزی نمایند، و البته شوراهایی برای اعضای اتحادیه، یعنی در کانادا است.

کبود دمکراسی یا سلطه رفرمیسم، مندرج در کارگر امروز شماره ۴۰۰، عنوان نوشته ای است از رفیق امیر پیام که به بررسی نظرات دونالد سوارتز درباره یکی از معضلات اتحادیه ها در کانادا میپردازد. در نوشته مذکور دری معینی از جایگاه اتحادیه و رابطه بین رفرویمیسم و جنبش اتحادیه ای ارائه می شود و استنتاجاتی از آن بعمل می آید که بنظر من فاقد یک نگرش تاریخی به اتحادیه هاست. قصد نوشته حاضر بررسی مختصر مقاله مذکور برای اعضای اتحادیه، یعنی در کانادا حدود یک سوم طبقه.

برای اتحادیه ها که به دو جنبه کلی در برخورد به اتحادیه ها که مربوط به موضوع درک رابطه بین اصلاحات و انقلاب می باشد، اشاره کنم: از یکسو وجود تشکل های کارگری مختلفی بوده است. اگر از نظراتی که در قرن گذشته و اوایل این قرن، که اتحادیه های کارگری را بعنوان ایزارهای تحقق میگردند، این اند که در هر حال بدرجه معینی از منافع اقتصادی کارگران در ادامه، امیر پیام ضمن موافقت با سوارتز مبنی بر محدودیت اهداف این جنبه بر میگردد برخلاف چه سنتی و غیر کارگری، کمونیست ها از اتحادیه در مقابل سرمایه داران دفاع کرده، در آن فعالیت نموده و برویه آنجا که تشکل های رادیکال کارگری مانند شوراهای حضور ندارند، حکمی علیه تعزیز اتحادیه صادر نمی کنند. اما از سوی دیگر کمونیست ها و گرایش رادیکال و سوسیالیست درون جنبش کارگری به تردید یونیونیسم انتقاد معینی هم دارند، انتقادی که بر محدود نمودن افق و آرمان طبقه کارگر به ایجاد اصلاحات در محدوده نظام سرمایه داری اشاره دارد. لذا از نظر کمونیست ها اتحادیه بطری کلی تقدیس نمی شود و وجود آن بعنوان آلترناتیور یک گرایش معلوم در جامعه پرای سازماندهی کارگران تاکید می گردد. اما انتقاد به اتحادیه نه صرف توسعه کمونیست ها صورت می گیرد و نه مضمون انتقادات یکسان است.

بحث دونالد سوارتز هم تا همین حد که امیر پیام از وی روایت نموده، بحث یکی از گرایشات شناخته شده درون جنبش اتحادیه ای است که دمکراتیزه کردن ساختار اتحادیه و توسعه اهداف آنرا تا سطح دخیل شدن در فعالیت های سیاسی و اجتماعی مدنظر دارد. نوشته امیرپیام نیز بحث انتقادی است، نه فقط انتقاد به وضع موجود اتحادیه ها بلکه همچنین به بحث سوارتز مبنی بر اینکه افزایش دمکراتیک چاره کار نیست و اتحادیه باید اساس استثمار سرمایه داری و نابودی این نظام را هدف قرار دهد تا اعضایش در فعالیت های آن شرکت کنند. بالاخره بخش نتیجه گیری مقاله که بحث اثباتی امیر پیام است، پس از یادآوری سلطه رفرمیسم بعنوان معنی اتحادیه باشد. یعنی اتحادیه باید اساس استثمار سرمایه داری و نابودی این نظام را هدف قرار دهد تا اعضایش در فعالیت های آن شرکت کنند. بالاخره بخش نتیجه گیری مقاله که بحث اثباتی امیر پیام است، پس از یادآوری سلطه رفرمیسم بعنوان معنی اتحادیه ها، اظهار میدارد که "اتحادیه ها نیازمند یک شیفت اساسی در افق خود است. او بدون در ک روشنی از رابطه رفرمیسم و اتحادیه ای انتقادی است، تا از ویژگی های اتحادیه ای انتزاع نموده و تغییرات پایه ای در ساختار و اهداف آنها ایجاد نماید.

اصلاح محدودیت ها

امیر در بخش اول نوشته خود پس از بررسی نظرات سوارتز و مثال اتحادیه پست بدرستی نتیجه می گیرد که افزایش دمکراسی درون اتحادیه اگرچه مفید است اما معضل اتحادیه ها را حل نمی کند و در نتیجه خود اصلاح ساختار اتحادیه را چنین پیشنهاد می کند: "اگر اتحادیه های کانادا بخواهند به مشکل بی تفاوتی و عدم شرکت اعضاء در فعالیت های اتحادیه فایق

الله اعلم

یا رفرمیس حاکم به حیات خود ادامه می‌دهد، که در این صورت آنها را بشدت تضعیف کرده و جاده را برای استراتژی بورژوازی کانادا، یعنی ارزان گردند نیروی کار، صاف می‌کنند. و یا گرایش رادیکال قادر می‌شود با پس زدن رفرمیس و حاکم کردن افق ضد سرمایه داری بر اتحادیه ها، توازن قوای موجود را به نفع طبقه کارگر بر خم زده و جاده را برای پیشویهای اساسی طبقه کارگر هموار می‌کند. تغیین تکلیف این دو افق، مصاف صلی جنبش کارگری کانادا در دهه ۷۰ است.

از نظر سوسياليسم کارگری، مصاف اصلی جنبش کارگری کانادا همانند دیگر کشورهای سرمایه داری، مبارزه ای همه جانبی علیه بنیان این نظام است و نه تعیین تکلیف دو افق در درون جنبش اتحادیه ای. و ویژگی دهنود هم بعد از پایان جنگ سرد و شکست انواع سوسياليسم بورژوازی و تلاش سرمایه برای برقراری نظام نوین جهانی فقط عاجل بودن مبارزه برای تحقق انقلاب کارگری را تاکید میکند. بحث پایانی مقاله حزب را به کثار مینهند، زیرا وقتی این تعیین تکلیف به نفع گرایش رادیکال درون اتحادیه تمام شد، آنگاه اتحادیه های صنفی که شیفت اساسی یافته اند لابد افق ضد سرمایه داری خود را به سازمان سراسری اتحادیه ها نیز منتقل میکنند و در نتیجه کنگره کار کانادا تبدیل میشود به حزب و یا کار آنرا میکند، و بهمین دلیل است که مصاف اصلی جنبش کارگری به تعیین تکلیف دو افق در اتحادیه منوط میشود. زیرا اگرچه هنوز معلوم نیست که از نظر نویسنده این تعیین تکلیف چگونه صورت میگیرد، اما وقتی اتحادیه های صنفی که هم هدفشان نابودی سرمایه داری است و هم ظرف دخالت اعضاشان مجمع عمومی با اختیارات وسیع میباشد، رفتن به مصاف بورژوازی دهنود در کانادا چیزی کم

اتحادیه های کارگری امروز مخصوصاً یک تکامل تاریخی اند و اهداف و سیاست های معینی را پیش میبرند. هر حرکت رادیکالی هم که در مبارزه علیه کارفرمای خود اتخاذ نمایند و یا هر اپوزیسیون درون اتحادیه موفق به ایجاد تغییراتی در ساخت و دایره اهداف اتحادیه گردد، جنبش اتحادیه ای به طرف مبارزه سوسیالیستی طبقه کارگر تبدیل نمیشود و مارکسیسم این مبارزه را بشکل دیگری تعریف کرده و البته جای اتحادیه نیز در مبارزه کارگران و مشکل نمودنشان روشن است. آین انتظار که کارگران بدون سازمانیابی حول احزاب سیاسی میتوانند از قلمرو اقتصادی زیاد پا بیرون بگذارند انتظار پنوج و از نظر تاریخی بدون مبنای است. شخصاً تصور نیکنم سوسیال دمکراسی حتی راغب باشد که از این پس بعنوان انکام سیاسی جنبش اتحادیه لی در جامعه تصویر شود. این جریان بینظر من بدجه زیادی از کارگران دست کشیده و چشم به اقتدار میانی جامعه دوخته است. از این گذشته سوسیال دمکراسی حتی فاقد یک برنامه

دست دادن کرسی های پارلمان در انتخابات ماه اکتبر، اتحادیه ها را با بی افقی و ناممیدی بیشتری مواجه کرده است. اتحادیه ها بطور قطع قصد گردن گذاشتن به اراده کارگران را ندارند و تاکنون نشانه ای از این هم نیست که گرایش رادیکال، حاکم کردن افق ضد سرمایه داری را در درون اتحادیه جستجو کند.

متدهای پاسخ به یک معضل

دونالد سوارتز به معرض عدم شرکت
وسعی اعضای اتحادیه در فعالیت‌های
آن پاسخ یکی از جناهای جنبش
اتحادیه ای را دارد: افزایش دمکراسی
و توسعه فعالیتها. پاسخ امیر پیام به
این معرض جانشین شدن مجمع
عمرومی اعضای اتحادیه به جای مجمع
نمایندگان بود و در ادامه بحث خود
برای رفع معضلات اتحادیه‌ها و پس
زدن رفرمیسم "سلط" حاکم نمودن
افق ضد سرمایه داری بر آنها را تاکید
کرد. در بحث امیر پیام حرفی از
جایگاه حزب در میان نیست. این روش
ست که قصد مقاله "کفبود دمکراسی
با سلطه رفرمیسم" بحث در باره نقش
حزب نبوده و حتی تا ابتدای نتیجه
کلیری آن، یعنی بعث اثباتی امیر پیام،
بحث درباره حزب مناسبت هم ندارد.
ما وقتی نتیجه گیری وی به مصاف
صلی جنبش کارگری کانادا در دهه
بود منتهی میشود، آنوقت باید پرسید

فرمیسم احزاب سیاسی خود را دارد و
حزاب سوسیال دمکرات از نمونه های
نست، اتحادیه هم آلترناتیو این جریان
سرای سازماندهی کارگران است.
سوسیالیسم کارگری نیز به حزب طبقه
کارگر نیازمند است، یک حزب
نمودنیست کارگری که با هدف انقلاب
نارگری تمام عرصه های مبارزه طبقه
را رهبری میکند. برای سازماندهی
کارگران هم، آلترناتیو سوسیالیسم
نارگری جنبش شورانی است. کمونیست
ما وقتی از شورا حرف میزنند، در
صورت عدم وجود چنین حزبی، یک
لالاش اساسی شان بوجود آوردن آن
است. اینجا لازم است به این نکته
شاره کنم که در ادبیات کمونیسم
نارگری روی این واقعیت تاکید بسیار
مده که جنبش سوسیالیسم کارگری یک
بنبیش قائم بذات است و مستقل از
عالیات کمونیست ها و احزاب

گردد. تلاش داشته و وجود مکنیستی بعارت دیگر مبارزه طبقه کارگر میلیه سرمایه داری مشروط به وجود نیزب نیست. این تاکیدی است بر جوهر حث کمونیسم کارگری که چپ سنتی رکش نکرد. اما حزب ابزار سازماندهی و رهبری و شرط لازم برروزی این طبقه تا انقلاب کارگری است. بدون وجود حزب مارکسیستی و بدون تلاش آن برای رهبری مبارزات موسیالیستی طبقه کارگر در تمام مرصد ها، تلاش این طبقه به سرانجام بیرون نمیرسد. اینها شاید توضیح واضحات نظر برند، اما علیرغم باور امیریام اهمیت و جایگاه حزب، منطق و تقدیم مقاله "کبود دمکراسی یا سلطه نژادیمیسم" طوری است که حزب را کنار گذشت و بخش پایانی نوشته مذکور نخوا نشان میدهد: "اتعادیه ها نیازمند ک شیفت اساسی در افق خود هستند.

نداشته، یا جنبش کارگری از زیر دست اتحادیه خارج شده و یا اتحادیه خود به رکود و اضمحلال کشیده شده. همین واقعیت امروز دارد جنبش سنديکاتی را در سرزمین هانی که مادر این جنبش اند به فقرا میبرد، و هم اکنون تلاش‌های کارگران رادیکال و پیشرو برای ایجاد آلترناتیووهای عملی و اشکال نوینی از مبارزه در کنار و با

حتی در تقابل با اتحادیه آغاز شده است."(۳). بحران اقتصادی عمیقی که در چند ساله اخیر در کانادا رخ داده، به افزایش بیکاری و بسی تامینی قتصادی کارگران دامن زده است. این موضوع از طرف موجب متزلزل شدن وضعیت کارگران و محافظه کاری آنان گردیده و از طرف دیگر اتحادیه ها بنا به ماهیت رفرمیستی شان حرکتی جدی برای دفع حملات بورژوازی سازمان سداده اند. تحت تاثیر این بحران اقتصادی و نیز در اثر قرارداد تجارت زاد کارگر هر لحظه منتظر بیکار مدنش است و اما موضوع اتحادیه ها ر قبال این قرارداد و پیامدهای آن نز ناسیونالیسم چیز دیگر نبوده است. فع بحران از نظر بورژوازی باید با شدید استثمار کارگر و افزایش نرخ سود سرمایه صورت پذیرد. سرمایه رای تحقق این هدف از یکسو حمله به دستاوردهای مبارزات کارگران، بکارسازی، جابجایی سرمایه به آنجاتی

نه نیزی کار ارزان است، خصوصی بردن، لغو و یا محدود نمودن قوانین ریوط به حقوق اتحادیه ای و غیره را در دستور کارش گذاشته است. اما از این طبقه همراه بوده است. اوج گرفتن میلیونیات ضد کمونیستی و جنجال پروروزی اقتصاد بازار بر "سوسیالیسم" و شورش ای از این تعرض است. حتی قبل از فرو پاشی شوروی، پرسوستیریکای سوریاچف و تعرض جناح راست برزوایی غرب به دستاوردهای کارگران اقدامات دهنده هشتاد، به پایه های کفری سوسیال دموکراسی ضربه جدی بپهمن دلیل هم تجدید نظرهای این بیانات رفمیستی منجر به قرارگرفتن اینها در کنار جناح راست شده است. بود این، و همچنین عزم بورزوایی در مهت تشدید استثمار، پایه مادی بوجود بردن رفم های جدی از طریق مبارزه رلمانی و در چهارچوب قانونی را در

بیش اتحادیه ای هم از این وضعیت مومی سوسیال دمکراسی متاثر است. حادیه ها امروز یا به توجیه سیاستها عملکرد های این احزاب رفمریست پیرپارازنده و یا ضمن انتقادات نیم بند آنان، به این توهمندی دامن میزند که یید تلاش کرد تا اصول سوسیال دمکراسی سنتی مبنی بر چیزهای پیش اشتغال کامل و برقراری بیمه های شناختی و غیره ابقا گردد. تجربه عملکرد های دولت های استانی آن، "بی" و عکس العمل های اتحادیه به آن از همین قرار بوده است. بیش اتحادیه ای در کانادا که باتوان سازماندهی موثر کارگران برای دفع رضات بورژوازی بوده، بارها از زبان ایران شناخته شده اش روی ائتلاف با بخش های مختلف تاکید کرده است. بیرون اواخر آن، دی، پی" با از

میکند، قانونی بودن اتحادیه هم در این محدوده تعریف میشود. این یعنی اتحادیه رفرمیست است، رادیکال بودن یا محافظه کاری اتحادیه هم که از چهارچوب فلسفه وجودی اش فراتر نمیرود، در رفرمیست بودن آن تغییری نمیدهد. لذا جدا نمودن جنبش اتحادیه ای از رفرمیسم یعنی جدا کردن آن از متن این نظام اجتماعی که اهداف، سیاست، سنت مبارزاتی و شیوه مشکل کردن کارگر و نحوه دخالت او به آن گره خورده است. لذا اصلاحات مورد نظر مقاله "کمبود دمکراسی یا سلطه رفرمیسم" در ساختار و اهداف

اتحادیه ها نقش غرض است و گرایش رادیکال در درون اتحادیه هم از نقطه عزیمت های آن فراتر نمیتواند برود. نکته دیگر مربوط به بحران یونیونیسم است که از نظر امیر پیام استنتاجی از همین سلطه رفرمیسم میباشد. ناتوانی اتحادیه ها در بسیج اعضای خود و عجز اتحادیه ها در دفاع از دستاوردهای کارگران و ناتوانی در مبارزه برای جلوگیری از تنزل سطح معیشت و کاهش خدمات رفاهی و اجتماعی، مولفه هایی از بحران چندین ساله یونیونیسم است که مختص به کانادا هم نیست و اروپا و آمریکا را نیز دربر میگیرد. این بحران امروز اتحادیه ریشه در بحران سرمایه داری بعد از اواسط دهه شصت دارد.

بیشتری لازم نباشد که رفرمیسم بر اتحادیه ها مبنای ایجاد نزن ک

سلطه این کرایش (منظور کرایش رفرمیستی است) علت اساسی منزوی کردن کارگر در تشکیلاتش میباشد، سلطه رفرمیسم معضل اتحادیه ها در کانادا و مانع ابراز وجود یکپارچه و رادیکال طبقه کارگر است، اینها نکاتی از نوشتہ امیر پیام است که ناتوانی اتحادیه ها را بعنوان نتیجه سلطه رفرمیسم تاکید میکند. اولاً نه فقط در آمریکای شمالی بلکه در اروپا نیز حرکت های وسیع اعتراضی توسط همین اتحادیه های رفرمیست سازمان داده شده و اعضا در فعالیت های اتحادیه بیشتر از امروز شرکت کرده اند. ثانیا، آیا زمانی که اتحادیه ها قدرتمند بودند و مشکل عدم حضور اعضا در فعالیت های اتحادیه وجود نداشت، رفرمیسم بر اتحادیه "تسلط" نداشت؟ آیا قبل از تاچریسم و ریگانیسم و در دوران رونق بعد از جنگ جهانی دوم، اتحادیه های اروپا که مشکل امروز را نداشتند رفرمیست نبودند؟

نایابی حست سده، بدنه بجز، تدبیک ناپذیر و ماهیت اتحادیه است. اتحادیه، بازوی کارگری احزاب رفرمیست، به سیاست رفرمیستی پیوسته بلکه سیاست، اهداف و افقش بدست آوردن اصلاحات در جامعه سرمایه داری بوده است. اتفاقا تحت تاثیر همین برخورد به اتحادیه و رفرمیسم است که امیر پیام این تغییر در ساختار اتحادیه را ممکن میداند و مجمع عمومی را بجای مجامع نمایندگان میگذارد. این مجمع عمومی که قرار است از درون جنبش اتحادیه ای سر بلند کند، سلول یایه جنبش شورایی میباشد و جزئی از حرکت سوسیالیسم کارگری است که افق و دورنمای سیاسی و اقتصادی کاملاً متمایزی با سوسیال دمکراتی و رفرمیسم دارد. "واقعت اینست که شورا، سندیکا، کمیته های کارخانه و غیره صرفا "الگوهای" تشکل های توده ای نیستند، الگوهاتی که گویا به یک نیاز واحد جواب میدهند و کارگران مخیرند این یا آن الگو را انتخاب کنند. سندیکا و شورا آلت ناتائق جنبش

های اجتماعی متفاوت و گیرایشات متفاوت در درون جنبش طبقاتی آند. بعبارت دیگر اینها را نباید بصورت طرحها و الگوهای سازمانی و تجربیدی و خارج از زمان و مکان و بدون پیشینه و محتوای اجتماعی و تاریخی معین درنظر گرفت.^(۲) فقط بدون در نظر گرفتن این زمان و پیشینه و محتوای اجتماعی و تاریخی معین است که میتوان ابتدا با جدا کردن رفرمیسم از اتحادیه و سپس پس زدن آن، اتحادیه را در ساختار متکی به مجمع عمومی و در اهداف تا سطح حاکم کردن افق ضدرسمایه داری ارتقا داد.

اتحادیه برای این بوجود میاید که در محدوده این نظام دستمزده کارگر را بالا ببرد و شرایط کارش را بهبود دهد و برای همین منظور کارگر را متشكل

کارگران

جاسوسی کارگران را دارند. حال که صحبت از شوراهای اسلامی شد از برخورد خانه کارگر به اعتصاب کارگران نفت برویان میگوییم. خانه کارگر هر زمان که گوشش ای از جامعه کارگری ایران دستخوش اعتراض میشود تها کارش اینست که طی اطلاعیه ای پیشنهاد میکند که کارگران بیانند و عضو شوند و مسائل خود را با آنها در میان بگذارند. اتفاقاً در اعتراض کارگران نفت نیز آنها همین پیشنهاد را کردند. اما کارگران گفتند که اگر راست میگویید ابتدا بروید جریان اعتصاب و مطالبات کارگران را در شریه خود چاپ کنید. آنها نیز پس از چند روز با تمجید و تکریم از رفسنجانی و جمهوری اسلامی این خبر را بطور جلاصه و ناقص چاپ کردند و در ادامه اسناد خود را برای کارگران فرستادند. کارگران پس از مطالعه آن اعلام کردند که این اسناد دولتی است و خانه کارگر در واقع خانه دولتی است و بیشتر در تایید جمهوری اسلامی و نهادهای حاکم است. از کلاس‌های ایدنولوژی و زبان انگلیسی صحبت میکند اما هیچگونه صحبتی از حق و حقوق کارگران نیکند.

شورای اسلامی هیچگاه در صنعت نفت نتوانست پا بگیرد، از نظر شما علت این امر چیست؟

کلا با، خصوصی شدن کارخانجات، شوراهای اسلامی نیز بیش از بیش کمتر شده اند. در صنایع مادر که اساساً شوراهای اسلامی وجود نداشته است، به نظر من دولت اسلامی سرمایه از وحشت شکل گرفتن هرگونه اعتراضی در صنایع مادر حتی به شوراهای اسلامی راه نداد. به همین دلیل نیز در صنعت نفت شوراهای اسلامی تشکیل نشد. هم اکنون شوراهای اسلامی در بعضی از کارخانجات و کارگاهها ظاهر خود را حفظ کرده اند اما قدرت اجرایی لازم را ندارند. در رابطه با اعتراضات کارگری اینها همیشه کارگران را به آرامش دعوت میکنند و نقش

کارگران صنعت نفت همواره نقش برجسته ای در جنبش کارگری ایران داشته اند. کارگران صنعت نفت هم اکنون در چه موقعیتی قرار دارند؟

کارگران صنعت نفت در سطح کلی همان مسائل کل طبقه کارگر ایران است. اولین معضل جنبش کارگری در ایران نبود تشكیل سراسری کارگران است. که به نظر من یکی از موانع عمده بر سر راه ایجاد تشکلهای کارگری، کمبود کادرها و کارگران با تجربه کارگری است. در صنعت نفت ترکیب متفاوت کارگران از نظر شکل استخدام نیز خود باعث متفرق ماندن کارگران شده است. ترکیب کارگران در صنعت نفت عبارتست از:

- کارگرانی که قرارداد سه ماهه و ده روزه دارند که در میان کارگران دیگر معروفند به کارگران صیغه ای
- کارگران پیمانی که به مدت یکسال قرارداد دسته اند.
- کارگران زیر پوشش شرکت نفت
- کارگران کارآموز که برای دوره یکسال کارآموزی جذب شده اند و میباشیست پس از یکسال حکم استخدامی آنها رسماً ابلاغ شود که بعض اتأ سه سال در همان شرایط آموزشی میمانند و هیچ حکمی به آنها داده نشده است.
- بالاخره کارگران رسمی که تعداد آنها کمتر از مجموعه فوق است.

معضل دیگر امروز کارگران عدم امنیت شغلی است. در بسیاری از کارخانجات و بهبهانه های مختلف کارگران از کار بیکار شدند. مسائل عمومی تر دیگر نیز چون گرانی، تورم و غیره بر معضلات کارگران می‌افزاید.

اعتراضات کارگران هم اکنون بیشتر حول کدام خواستهای زرد بعضی توانستند خواستهایی را بگیرند. از جمله ۱۵ روز حق هیئت سفر در ایام مرخصی بود که جمهوری اسلامی آنرا لغو کرد. یا طرح پیمان دسته جمعی که میان کارگران و کارفرما بود و هر دو سال یکبار جلسه ای تشکیل میشد و طی آن میزان حقوق و مزایای تقدی و غیر تقدی و خواهان برگزاری انجمن های میکنند و اضافه دستمزد تعیین می شد. ولی پس از طرف دیگر خواهان افزایش دستمزدها بر مبنای تورم واقعی، کاهش ساعت کار و دریافت مزایای معوقه خود هستند. یکی دیگر از خواستهای کارگران که در

کارگران در میان خود از طرفی درباره ایجاد تشکلهای کارگری و حق اعتصاب دیگر خواسته های جدیدتری شکل گرفت از جمله تشکیل شورای کارگران و حق انتخاب نماینده. اما متسافنه در ادامه این اعتصاب چند نفر از مامورین امنیتی با بیرون کردن جلسه ای یکطرفه و با ایجاد رعب و وحشت، کارگران را تهدید کردند و گفتند که هر چه ما میگوییم باید قبول کنید و پس از پایان جلسه چند نفر دستگیر شدند. در این اعتصاب کارگران با چند جناح رویرو بودند و شرکت نفت پس از این اعتقادی و سیاسی سویاً مطرح باشد که راست چرخیدن این، جریان، و با توجه به تعلق اتحادیه به جریان سویاً دمکراسی و اینکه جنبش اتحادیه ای همان آنتناتیو پورژوانی و در نتیجه کارگران را باز هم در باره شرکت اضافاً در فعالیت‌های آن و یا دقتیر به ناتوانی آنها در مورد سازماندهی مبارزات کارگری چگونه باید پاسخ داد؟ با توجه به سنته شدن پژوهنده سویاً سیاسی بالآخره شاید این سوال مطرح باشد که اتحادیه ها تشکل های فی الحال موجود کارگران اند و گرایشات مختلفی هم در آن وجود دارند، در اینصورت به مفضل عدم مصالح بی سرانجامی فراخوان میدهد.

کارگران عدم حضور تشکلهای مستقل کارگری است که عدم وجود آن عمل کارگران را خلخ سلاح کرده است. برای این ماست که پرداخت آن به تعویق افتاده است. در ادامه این اعتصاب به کارگران وعده شد که این مزایا بزودی میشود که پس از ختم جنگ شد و لی خبری نشد و اتفاقاً یکی از مطالبات کارگران در جریان اعتصاب سال ۷۰ میگفتند این حق ماست که پرداخت خواهد شد ولی تاثنون همین مساله بود. کارگران میگفتند این خواسته کارگران گفته میشود که بنویسند چیزی رسمی به ما ابلاغ نکرده است. مثل دیگر در رابطه با وام مسکن کارگران است. قبله به این مسکن کارگران هیچگونه بهره ای تعلق نمیگرفت ولی در حال حاضر پس از تقاضاهای بیشمار به کارگر وامی با مسکن کارگران میگیرد دیگر بروی اعتصاب برنامه ریزی کرده بودند. همه جا در اینکه کارگران را در برابر قبول تصمیم کارمند سازی متازل کنند به کارمندان پیشیز نشود نفت از مدت‌ها پیشیز نشود. زیر با عدم قبول آن حکم پیشیزند. زیر با هماهنگی لازم و رعایت استخدامی برایشان نمی‌آمد. بعلاوه چندین سال است که جیره خواریار گرفته شده بود که اعتصاب غذا داشته کارگران قطع شده است، آنها برای در جمیع ها و محافل کارگران تصمیم اینکه کارگران را در برابر قبول طرح و وجود سازی متازل کنند به کارمندان تصور شده بود که اعتصاب غذا داشته باشیم و بعلاوه وقتی به محل کار کارگری که وام مسکن میگیرد دیگر کمک هزینه پرداخت نمی‌شود. کارگران رجوع میکنند کاری انجام ندهیم. پس از چند روز اعتصاب غذا و اعتساب، درون طبقه و کمونیست ها چاره ای ندارند و میدانستیم که بالآخره با سرکوب رویرو میشیم. ولی ویژگی آن، این بود

تلاش داشت تا رهبران این اعتصاب را

شناسایی کنند. اصرار بر این بود که اینجاست که تکمیل یکی بود و بزرگ شد. اما این برو و مطالبات را مطرح کنند. اما این درخواست با بی تفاوتی کارگران رویرو شد. کارگران میگفتند ما میخواهیم بدایم که با چه کسی طرفیم. با شرکت

نتیجت یا وزارت کار. در ادامه این روند آغازه و زیر نفت در تلویزیون ظاهر شد و گفت: من تعدادی پرسنل دارم که اگر بتوانند در قلمرو اقتصادی سترگرهای معینی را حفظ کنند، بهر حال با یک تقطه تعادل سیاسی و ایدنولوژیکی. برای این خواهد شد." (۴۰). اما متد برو خود مقاله

کمربود دمکراسی یا سلطه رفرمیسم به اتحادیه و تصویری که از رابطه آن با رفرمیسم بست داد و نیز منوط کردن درخیل در مبارزات سیاسی، کارگران حتی که گویا پس زده میشود، طبقه کارگر را به تعادل سیاسی و ایدنولوژیکی. برای این

کارگری تر از اوضاع تاکنونی مواجه خواهد شد." (۴۱) و منصور حکمت، تشكیل اقتصادی روش را در جنبش کارگری این را معرفت کردند. اما کارگران بیانند و مطالبات را در نتیجه این روش مذکور در میان اقتصادی روش را مطرح کردند که اینجاست که تکمیل این روش کارگران را تهدید کردند و گفتند که

هر چه ما میگوییم باید قبول کنید و پس از پایان جلسه چند نفر دستگیر شدند. در این اعتصاب کارگران می‌دریزند. ولی این اضافه در ادامه این اتفاقی که میان کارگران و کارفرما بود و هر دو سال یکبار جلسه ای تشکیل میشد و طی آن میزان حقوق و مزایای تقدی و غیر تقدی و خواهان برگزاری انجمن های میکنند و اضافه دستمزد تعیین می شد. ولی پس از طرف دیگر خواهان افزایش دستمزدها بر مبنای تورم واقعی، کاهش ساعت کار و دریافت مزایای معوقه خود هستند. یکی دیگر از خواستهای کارگران که در

کارگران در میان خود از طرفی درباره ایجاد تشکلهای کارگری و حق اعتصاب دیگر خواسته های جدیدتری شکل گرفت از جمله تشکیل شورای کارگران و حق انتخاب نماینده. اما متسافنه در ادامه این اعتصاب چند نفر از مامورین امنیتی با بیرون کردن جلسه ای یکطرفه و با ایجاد رعب و وحشت، کارگران را حفظ کنند، بهر حال با یک تقطه تعادل سیاسی و ایدنولوژیکی. برای این خواهد شد." (۴۲) اما این سوال مطرح باشد که اینجاست که تکمیل یکی بود و بزرگ شد. اما این برو و مطالبات را مطرح کنند. اما این درخواست با بی تفاوتی کارگران رویرو شد. کارگران میگفتند ما میخواهیم بدایم که با چه کسی طرفیم. با شرکت

نتیجت یا وزارت کار. در ادامه این روند آغازه و زیر نفت در تلویزیون ظاهر شد و گفت: من تعدادی پرسنل دارم که اگر بتوانند در قلمرو اقتصادی سترگرهای معینی را حفظ کنند، بهر حال با یک تقطه تعادل سیاسی و ایدنولوژیکی. برای این خواهد شد." (۴۰). اما متد برو خود مقاله

از مجمع عمومی تا افق ضد سرمایه داری

اصلاح اتحادیه ها در ساختار و اهداف

جز اینکه صفت خود را در جنبش کارگری متعدد نمایند، و بینظیر من اولین و مهمترین اقدام، چیزی است که در نقل قول فوق تأکید شده، یعنی تشکیل احزاب کمونیستی درگیر در سازماندهی طبقاتی کارگران. تنها در چینین حالتی است که میتوان به دفع همچند کمونیستی از یکسو و پس زدن رفرمیسم حاکم بر جنبش کارگری از سوی دیگر و در نتیجه به رفتن به مصاف بروژواری دهد نوید امید داشت.

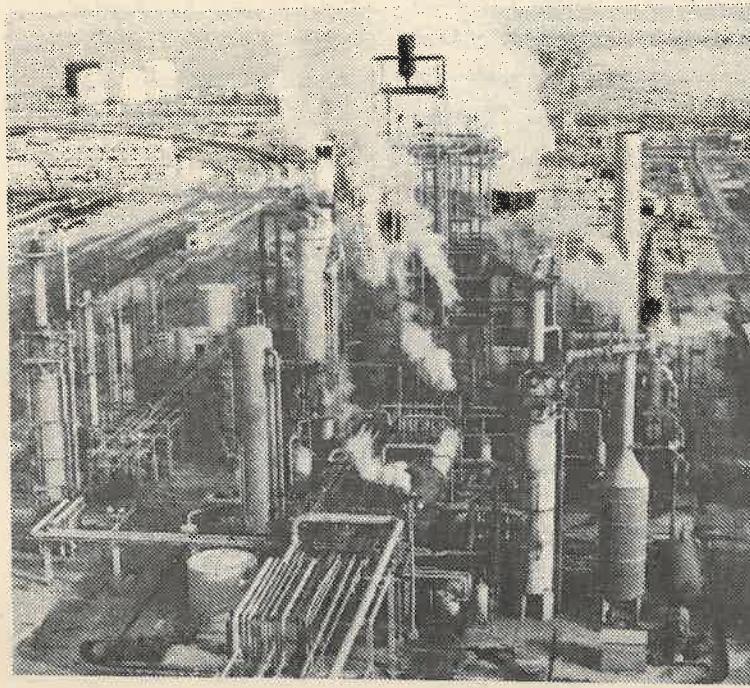
توضیحات:

(۱) و (۲): منصور حکمت، تشكیل های توده ای طبقه کارگر، بسوی سویاً سیاسی (۳): منصور حکمت، باز هم در باره شورا، بسوی سویاً سیاسی ۳ (۴): منصور حکمت، مارکسیسم و جهان امروز، انتربنیونال ۱

مسئولیت سورا یاعالی کار ...

بقیه از صفحه ۶

کشور در دستور کار قرار گرفته است باید سیاستهای کلان اقتصادی نیز بگونه ای تدوین شود که منجر به گسل سرمایه ها و نقدینگی به بخش تولید شود، در حالیکه به دلیل درآمد کاذب و زود بازده سود در بخش دلالی و اسطه گری و خدمات، قسمت اعظم سرمایه ها و نقدینگی کشور در این بخش تمرکز یافته است و بانکها و موسسات پولی کشور نیز همانگونه که وزرای صنعتی و مدیران واحدهای تولیدی اعلام کرده اند، همکاریهای لازم را در تامین نقدینگی کارخانجات نداشته اند.



فشار و تهدید دولت ترکیه علیه و هبران و فعالین اتحادیه‌های کارگری



بهرام رحمانی

راه پیگیر نبوده است. دولت ترکیه نیز با بهانه قرار دادن جنگ با پ.ک.د. و حالت فوق العاده نظامی سعی دارد هر چه سریعتر قوانین ضد کارگری را بار دیگر اجرا کند و تشکلهای کارگری و جنبش کارگری را تضعیف نماید تا از این طریق شرایط را برای سرمایه گذاری و سود بیشتر مساعد سازد و خاطر سرمایه داران و نهادهای بین المللی آنان از جمله صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را آسوده نماید.

البته این بار سرمایه داران ترکیه و دمکراتهای آمریکا و اروپا تمام سعی خود را می‌کنند که دولت انتلافی حزب "راه راست" و "حزب سوسیال دمکرات" در جلو پرده با پز دولت "غیر نظامی" نگه داشته و در پشت پرده ژنرالها و سرهنگها با صدها هزار کوماندو، پلیس و ژاندارم توازن قوا بین کارگران و سرمایه داران را به نفع سرمایه حفظ کنند تا هیچگونه اخلالی در استثمار کارگران و نیروی کار ارزان بوجود نیاید.

امروز کشمکش و زورآزمایی بین جنبش کارگری و سرمایه داران در ترکیه به نقطه اوج خود رسیده است. کارگران پیشوای و بوسیله کارگران سوسیالیست با تجارب فراوان طبقاتی خود شرایط موجود را بخوبی درک می‌کنند و بدنبال راه حل‌های طبقاتی و آلتنتاتیوهای خود می‌گردند. همه آنان بر این امر اتفاق نظر دارند که جنبش کارگری ترکیه علیرغم پیشرفت‌های زیادش، فاقد حزب طبقاتی و سوسیالیستی خود است.

ما کارگران سوسیالیست ایرانی با حزب کمونیست کارگری و کمیته های همبستگی کارگری در کشورهای اروپائی، آمریکا و کانادا وظیفه انتراسیونالیستی خود می‌دانیم که به اعتراض کنیم و آزادی هر چه سریعتر فعالین اتحادیه های کارگری از زندان و لغو حکم زندان منیر جیلان دیرکل اتحادیه پترول - ایش را خواستار شویم.

سراسری کارگران، الایو را تشکیل میدهد اما درصد نمایندگی شدن آنان در موقعیت‌های اتحادیه‌ای ۱۲ درصد است. در زبان درصد زنان مشکل در اتحادیه‌ها به نسبت میزان زنان شاغل پایین بوده و اتحادیه‌ها توجه و تسلیمانی به دفاع از حقوق زنان کارگر نشان نمیدهد و وقتی پای زنان به میان می‌آید کند عمل میکنند.

در مجموع طی دهه‌های اخیر و بر مبنای اجتناب اتحادیه‌های کارگری از تقابل با کارفرمایها و تن دادن به محدودیت‌های قانونی در مقابل خود و سردرگمی و بی‌افقی حاکم بر اتحادیه‌ها، دفاع از حقوق زنان کارگر بطور اخص و تلاش برای مشکل ساختن آنان بطریق اولی را به یک مساله بی‌همیت تبدیل کرده است. بر مبنای تعریض بورژوازی راست از ابتدای دهه هشتاد که بر جسته تربیت بروزات خود را در ریگانیسم و تاجیریسم آشکار ساخت، موقعیت جنبش کارگری در گشوارهای صنعتی و پیشرفت‌های دچار افتی جدی شد. پیکارسازی‌های وسیع، تعارض به اتحادیه‌ها، ایجاد موانع قانونی برای فعالیت آنان، لغو قوانین حمایتی از کارگران، اولین قربانیان خود را در میان زنان کارگر یافته و موقعیت زنان را فرسنگها به عقب واند. زنان اولین آماج پیکارسازی، قربانیان لغو قوانین حمایتی و حقوق سادری و مجریان اصلی وظایف خانگی و پرورش فرزندان گردیدند. پیروز فرزندان البته کار سپار دلخیس و لذت بخشی است بشرطی که از جانب جامعه کار مفیدی تلقی گردد و مورد حمایت تصمیم گیرنده نمایندگی نمیشوند. نقشهای تعمیض بارگیرد و نقش پدر فرزندان نیز در نگهداری و پرورش فرزندان با زنان یکسان در نظر گرفته شود. وضعیت زنان کارگر در گشوارهای جهان سوم نیز ضمن متاثر بودن از تعریض عمومی بورژوازی راست و اقتصاد بازار در این کشوارهای، در معرض تهاجم اسلام زدگی، مذهبی زدگی بطور کلی و تعرض شدیدتر روابط اجتماعی عقب مانده و مردالارانه و مذهبی قراردادشته است و به موقعیت حقارت پاری رانده شده است.

توضیح:

آمارهای این مقاله از منابع زیر اخذ شده است:

- فصلنامه ایترنشنال لیبر ریپورت ۱۹۹۳
- گزارشات سازمان جهانی کار ۱۹۹۳
- زنان کارگر در ۱۵ کشور صنعتی چاپ ۱۹۸۵
- داششگاه کورنل در آمریکا
- زنان در جهان سوم ۱۹۸۸
- اقتصاد داششگاه لنن و داششگاه لیورپول در انگلستان
- مجله خلاف جریان چاپ آمریکا، ۱۹۸۷
- مجله ایترنشنال ویبوبیت ۱۹۸۷
- روزنامه آریت چاپ سوند ۱۹۹۳
- گزارشات مریپوت به به دهه زن سازمان ملل متحد ۱۹۸۴

حفظ نقش برتر مردان از سوی دیگر خط مشی دولتها و طبقه حاکم سرمایه دار را در جوامع کنونی تشکیل داده است.

زنان کارگر و اتحادیه‌های کارگری

اتحادیه‌های کارگری در دهه هفتاد در بسیاری از کشورها در بهبود موقعیت زنان و تخفیف تعیض نقش مثبت داشته اند از قراردادهای مستحبه در اسکانیاتی و قانونی موقعيت‌های برابر در بیانیه این موارد شاخص میتوان از اعضو اتحادیه‌های غیری داشتند. با قدم گذاشتن به اقتصاد بازار زنان این حقوق خود را از حق یافته. تعداد زنان عضو اتحادیه در بریتانیا در اوخر دهه هفتاد ۳۶ درصد افزایش یافت. مجموعاً زنان ۳۰ درصد اعضاً اتحادیه را در اوخر دهه هفتاد تشکیل میدانند. زنان در این حقوق میکردند. مضمون این هشتاد زنان دو سوم بیکاران را تشکیل میدانند. بیشترین افت در اشتغال و قوانین حمایتی از اشتغال زنان و حقوق مادری در دهه هشتاد اتفاق افتاد و تبعیض بین زنان و مردان کارگر داشتند. اشتغال اینست که مقاطع از زنان و توجه به حقوق خاص آنان را تبعیض مینمود.

با احتساب کار خانگی در تمام دنیا زنان ساعت کار طولانی تری از مردان دارند. زنان آفریقایی بالاترین ساعات کار هفتگی در دنیا را دارند. ساعات کار هفتگی آنها سرکوب میکرد. مضمون قانون برابر در ۶۷ ساعت است و مردان بطور متوسط ۵۳ ساعت کار میکنند.

گزارش سازمان جهانی کار میگوید: در کشورهای اسکانیاتی پایین آوردن ساعات کارگر باز کار خانه میگردند. با وجود آورده بود

با احتساب کار خانگی در تمام دنیا زنان ساعت کار طولانی تری از مردان دارند. زنان آفریقایی بالاترین ساعات کار هفتگی در دنیا را دارند. ساعات کار هفتگی آنها سرکوب میکرد. مضمون قانون برابر در ۶۷ ساعت است و مردان بطور متوسط ۵۳ ساعت کار میکنند.

موضع این قانون عبارت بود:

۱- برابری زنان با مردان در همه سطوح از استخدام تا اخراج
۲- کنار گذاشتن حقوق ویژه زنان کارگر
۳- کنار گذاشتن حفاظت و تمیین مساله مادر شدن زنان کارگر

بدین ترتیب کارفرمایها تامین حقوق ویژه زنان کارگر را شکل وارونه ای از تبعیض و نایابری اعلام کردند. آلتنتاتیو دیگرشنان نیز ساخت در هفته را به کار خانگی می‌پرداختند و ۷۷ درصد آنان اظهار میداشتند که کمترین کمکی از همسرانشان دریافت نمیکنند.

در بیانیه اینست که در اثر آن زنان بیکار شده و شناسایی زنان برابر در خانه، شناسایی زنان برابر وظایف مادری و مادربزرگ شدند اما این کمیته ها

دست میدانند. با این حکمت اقتصادی که

محركه رشد اقتصادی بریتانیا در کاهش ارزش نیروی کار و بهبود شرایط رقابت

برای کمپانیهای انگلیسی میباشد، توجیه میکشند. بیکاری بطور کلی و پیکارسازی

مشیت، توصیم گیرنده نیستند. بهمین ترتیب

زنان در موقعیت‌های مختلف اتحادیه ای و

نقشهای تصمیم گیرنده نمیشوند.

در ایتالیا میان زنان مشکل پایی زنان در دهه

هشتاد هم طبق مردان بود اما زنان در

سطح دست اندکار و سروکاریهای تصمیم

گیرنده در اتحادیه ها نمایندگی نمیشوند. از

دهه هشتاد به این سو اتحادیه ها دیگر به

وظیفه ماهوی خود یعنی دفاع از منافع

کارگران در مقابل سرمایه داران مشغول

بودند بلکه بر اساس سیاستهای اقتصادی

دولت و در قوانین این قوانین میکنند

تلاشی و تابیل از خود نشان ندادند.

در کشورهای اسکانیاتی از جانب سپار

بسیاری دوچرخه، مقایر قانون منع تبعیض بر اساس

جنسیت را ثبت و تصویب کرد که بر

اساس آن قوانین حمایت از زنان کارگر از

قیبل شبکاری و کار سنگین لغو گشت. بر

جهانی کار در زمینه منوعیت شبکاری و

کار سنگین برای زنان را رعایت میکنند.

غير قانونی شمرده میشند. اتحادیه ها در

مقابله با لغو این قوانین میکنند

و تلاشی و تابیل از خود نشان ندادند.

در ایتالیا در دهه هشتاد

در کشورهای اسکانیاتی از جانب سپار

بسیاری دوچرخه، مقایر قانون منع تبعیض بر اساس

جنسیت را ثبت و تصویب کرد که بر

اساس آن قوانین حمایت از زنان کارگر از

قیبل شبکاری و کار سنگین لغو گشت. بر

جهانی کار در زمینه منوعیت شبکاری و

کار سنگین برای زنان را رعایت میکنند.

غير قانونی شمرده میشند. اتحادیه ها در

مقابله با لغو این قوانین میکنند

و تلاشی و تابیل از خود نشان ندادند.

در ایتالیا در دهه هشتاد

در کشورهای اسکانیاتی از جانب سپار

بسیاری دوچرخه، مقایر قانون منع تبعیض بر اساس

جنسیت را ثبت و تصویب کرد که بر

اساس آن قوانین حمایت از زنان کارگر از

قیبل شبکاری و کار سنگین لغو گشت. بر

جهانی کار در زمینه منوعیت شبکاری و

کار سنگین برای زنان را رعایت میکنند.

غير قانونی شمرده میشند. اتحادیه ها در

مقابله با لغو این قوانین میکنند

و تلاشی و تابیل از خود نشان ندادند.

در ایتالیا در دهه هشتاد

در کشورهای اسکانیاتی از جانب سپار

بسیاری دوچرخه، مقایر قانون منع تبعیض بر اساس

جنسیت را ثبت و تصویب کرد که بر

اساس آن قوانین حمایت از زنان کارگر از

قیبل شبکاری و کار سنگین لغو گشت. بر

جهانی کار در زمینه منوعیت شبکاری و

کار سنگین برای زنان را رعایت میکنند.

غير قانونی شمرده میشند. اتحادیه ها در

مقابله با لغو این قوانین میکنند

و تلاشی و تابیل از خود نشان ندادند.

در ایتالیا در دهه هشتاد

در کشورهای اسکانیاتی از جانب سپار

بسیاری دوچرخه، مقایر قانون منع تبعیض بر اساس

جنسیت را ثبت و تصویب کرد که بر

اساس آن قوانین حمایت از زنان کارگر از

قیبل شبکاری و کار سنگین لغو گشت. بر

جهانی کار در زمینه منوعیت شبکاری و

کار سنگین برای زنان را رعایت میکنند.

غير قانونی شمرده میشند. اتحادیه ها در

مقابله با لغو این قوانین میکنند

و تلاشی و تابیل از خود نشان ندادند.

در ایتالیا در دهه هشتاد

در کشورهای اسکانیاتی از جانب سپار

بسیاری دوچرخه، مقایر قانون منع تبعیض بر اساس

جنسیت را ثبت و تصویب کرد که بر

اساس آن قوانین حمایت از زنان کارگر از

قیبل شبکاری و کار سنگین لغو گشت. بر

جهانی کار در زمینه منوعیت شبکاری و

کار سنگین برای زنان را رعایت میکنند.

غير قانونی شمرده میشند. اتحادیه ها در

مقابله با لغو این قوانین میکنند

و تلاشی و تابیل از خود نشان ندادند.

در ایتالیا در دهه هشتاد

در کشورهای اسکانیاتی از جانب سپار

بسیاری دوچرخه، مقایر قانون منع تبعیض بر اساس

جنسیت را ثبت و تصویب کرد که بر

اساس آن قوانین حمایت از زنان کارگر از

قیبل شبکاری و کار سنگین لغو گشت. بر

جهانی کار در ز

WORKER TODAY

Building international labour solidarity

**Interview with Mehdi Ardi, coordinator
Austrian-Iranian Labour Solidarity Committee**

Worker Today: How was the committee formed, and what are its objectives? Could you also tell us about the work done so far?

Mehdi Ardi: The committee was formed on the basis of activities which had been carried out earlier in a scattered way. For example the campaign against the arrest of 37 labour activists by the Islamic Republic government, the protests following the execution of Jamal Cheragh-Vaissi, campaign against the execution of labour activists and lack of organisation and strike right in Iran, etc. Though unsystematic, these actions provided the basis for the later work of the committee. We formed the committee about a year ago, by a number of individuals, in order to coordinate and develop such activities. As we had expected, after the formation of the committee our work became more regular. We defined our goals more specifically and broadened our work. These goals, in short, are: providing information about the condition of workers in Iran to workers and labour activists in Austria; informing about the labour movement in Iran; and mutual solidarity with the workers' struggle in Iran and Austria.

The work of the committee became more regular with the publication of the paper *Arbeiter-Solidarität*, the holding of meetings with unions, getting union activists' support, and declaration of support by a number of union leaders, for the work of the committee, campaigning to expel Islamic Councils from the ILO, and so on.

What has been this support specifically?

For instance, seven or eight cases of protests at the anti-worker policies of the Islamic Republic, the support of nine union leaders for the work of the committee, meetings with the Austrian Federation of Trade Unions (ÖGB) on the condition of workers in Iran, the reprint and distribution of the committee's paper by some union activists, protests against the presence of the Islamic Republic's so-called worker representatives in the ILO, support declared for the work of the committee by individual labour activists, etc.

What issues does the paper take up, and who does it address?

The paper is published in German. It has mainly focused on issues such as the news of workers' struggles, labour conditions and rights in Iran, the international campaign to expel Iran's Islamic Councils from the ILO, the anti-worker repression in Iran, and, to some extent, on various issues of the labour movement in Austria. The paper's audience are labour activists and it is among them that it is distributed.

Do you think this international

solidarity can grow, in view of the situation of the Austrian labour movement?

In fact there are more capacities for such growth. Regarding unions as a whole, the greater internationalisation of capitalism has meant that the unions are prepared, within particular frameworks, to take limited actions against violation of worker rights - even if their short-sightedness, conservatism, nationalism and Euro-centrism pose serious obstacles to the growth of international solidarity. But this is only half the picture. The other half is the existence, in all countries, and thus also in Austria, of worker-socialist tendencies for whom international solidarity is part of their identity. The post-Cold War situation has reinforced these tendencies. Although you can't as yet speak of a coherent tendency, worker-socialism actually enjoys favourable conditions for taking the leadership of worker

Arbeiter-Solidarität



Issue 5, Nov. 93, of Arbeiter-Solidarität, paper of ÖIASK

struggles. This is the other half of reality which increases the chances of growth in the work of international solidarity.

Could you explain more specifically?

This discussion is related to the situation of unionism as a whole. In the economic boom years after the Second World War, unionism had achieved an exceptional position. Making political, economic and even social regulations, led by government and with the participation of union leaders, had turned into a norm. Based on an economic boom, there was full employment in many countries of the West. The policy of intervention to determine wages and conditions of employment had generally been separated from the results of firms' production and profitability. The terms of employment and wages would be agreed upon by unions and employers centrally, branchwise or locally, etc. Within the system all this had given a special status to unions and the dominant reformist lines in them.

In this system (which like many other things should now be called *former*) unionism, by driving back workers' anti-capitalist and socialist tendency, was bolstering the capitalist social order. Now the situation has totally changed. Over 20

million unemployed in Europe alone, the continuing growth of unofficial and part-time labour, and the questioning even of collective bargaining, are threatening workers' livelihood. Under such conditions unions are powerless. They are in a completely defensive position and are in crisis.

The immense developments of the last two decades, whose results have become all too clear in the past few years, have totally changed the labour-capital relation. Having taken shape in a definite historical context, these relations have been undergoing redefinition during the past two decades and particularly in the last few years. The force of this redefinition is being supplied by the radical sections of the liberal bourgeoisie.



This process, which is not yet concluded, aims for flexibility in production conditions and workers' exploitation, flexibility in the labour-capital relation, maximum freedom for capital and serious restrictions for workers, introducing individual bargaining, privatising or making drastic changes in social insurance, etc. In general, the rights which society under the pressure of worker struggles had been forced to recognise for all are being eliminated, and the individual is to have as much right as his or her economic situation will allow. Clearly, all these measures are being taken to raise capital's profitability. In fact, this situation has eliminated the utility of reformist parties and tendencies both for the bourgeoisie and for workers. In such a historical situation worker-socialism and worker-communism once again finds the opportunity of asserting itself.

What is the attitude of trade unions towards these tendencies?

The union leaderships are not only not supporting these tendencies. They are resisting them. Of course, this should not affect our campaigns against violation of workers' rights. But, on the whole, the labour solidarity committees will be faced with new tasks.

What new tasks?

Supporting this tendency, introducing it internationally, working with it, etc. These can be part of our work at the initial stages. But clearly we won't stop here.

What barriers do you see to your work?

Our situation is not in any way isolated from the tendency to which we belong. It can't be imagined that without the progress of the worker-socialist tendency we can achieve something extraordinary as an "immigrant organisation". In my view, we are neither an immigrant organisation, nor is

our cause confined to the labour movement in Iran. I know this is not a main problem for the activists of the labour solidarity committees, but the question is whether this outlook is a widely-held one. Actually, our existing force so far has shown that you can both be an activist of the labour movement where you are and, at the same time, work for the labour movement in Iran.

But this is a larger issue. For years nationalism and national interests have been pampered, while workers' world solidarity has been pushed to the margins. Now an opportunity has been created for us to pull workers' international solidarity out of this marginalisation and, on the basis of definite realities, show its critical significance. And this is a job for the tendency which profoundly feels and understands this point and the interests that lie behind it. I ask myself, how successful have we been in this work? What we can achieve can transcend the boundaries of our imagination several times over.

These committees have not yet succeeded in coordinating themselves on a transnational level. As a matter of fact not only are we able to create coordination among these committees across countries, but we can, and should, promote solidarity in international worker struggles. For example, in the recent Air France strike we could have organised support for this struggle in different countries.

Another difficulty is extending this work to among Iranian immigrants. There aren't many Iranian immigrant workers who are engaged in this kind of activity, and those who are active are not all members of the labour solidarity committees. We have not as yet

succeeded in encouraging Iranian labour activists to become active in this field.

When the list of supporters of the committee increases to dozens or hundreds, when various meetings and seminars are held each year, when a worker paper in the local language is widely distributed among labour activists, and extensive and effective intervention is made in the labour movement, etc., then we will attain a different position in the labour movement. But this has not been done. And the only reason for that, I believe, is shortage of activists in this field. We should make sure that labour activists become involved in the international solidarity movement in a serious way, both practically and theoretically. Our potential will only increase when we succeed to call a considerable number of labour activists locally to lend their support to this movement.

What are your plans for your future work?

We have only taken the first steps. Important points of our plans and future activities include: raising the paper's circulation, increasing the contact with worker-socialist tendencies, drawing the attention of labour activists for furthering international solidarity, increasing the membership of the committee, holding meetings with labour activists and trade unions, putting pressure on the Islamic Republic regime and exposing its anti-worker policies, and working to have the right to organise and strike recognised for workers in Iran.

The Austrian-Iranian Labour Solidarity Committee can be contacted at: OLASK, Postfach 570, A-1151 Wien, Austria.

In the Persian Section

In addition to the articles published in the English section, the Persian section of this issue contains the following main articles:

□Developments in Eastern Europe and Prospects for Worker Socialism - interview with Mansoor Hekmat □Islamic Councils and workers' struggle for rise in minimum wage in Iran - article □Working women, last decades' victims - article; part two □Workers and wage increase - workplace report from Iran □Letters to the editor: - Four-day work week at Volkswagen not a gain! - Unemployed Workers Union in Iraqi Kurdistan in recent

developments □Dispute over Islamic labour law, a boon for Islamic Councils □Turkish government's pressures on union leaders and activists - article □Turkey's DISK union on ascendance - report □Iran: Chit-e-Ray workers' protest at delayed wages □Reforming unions in structure and aims: From general assembly to an anti-capitalist perspective - article □First problem of workers' movement in Iran is lack of workers' nationwide organisation - interview with Kaaveh Asadi, labour activist from Iran □A hell of smoke, dust and dirt! - workplace report from Iran.

The international and Iranian workers' news are published in more detail in the Persian section.

ISSN 1101-3516

WORKER TODAY

Editor: Reza Moqaddam

English Section: Bahram Soroush

Address: W.T., Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN

Fax: (46) 8 - 52027259

Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of

Six months

One year

Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____

Address _____

Postcode _____

City _____

Country _____

Subscription Rates

Europe

1 Year SKr140

6 Months SKr80

Elsewhere

1 Year SKr210

6 Months SKr120

■ Institutions double the rate.

■ All prices include p&p.

WORKER TODAY

Which way's the German labour movement heading?

Interview with Manfred Neugroda

Manfred Neugroda works in a chemical factory in Cologne, Germany. He is a member of the works council at the factory and the head of its shop steward organisation. He has been a member of the bargaining commission of the chemical workers union in the state of North Rhine-Westphalia and a member of the executive of the DGB (German Federation of Trade Unions) in Cologne and area. Bahman Shafiqi, Worker Today co-worker in Germany, had a very long interview with Manfred Neugroda about various issues of the German labour movement. In the Persian section of the previous issue we published the whole of the interview. The following are short excerpts from the interview. The translation is, indirectly, from the Persian translation of the text.

Worker Today: We are also faced with unions' policy of concessions. In the last couple of years we have seen it even in the more militant unions such as those of metal and media workers, and also in such recent deals as the Volkswagen. Do you think a worker whose pre-tax pay is around 3,500 marks a month can make more concessions? How is this policy being taken by the workers?

Manfred Neugroda: The Volkswagen deal includes other aspects than just the concessions. As far as I know, it has also met the workers' wide approval. Very few people in VW are against it, and they are those with a relatively low income. There are attempts in different unions to react against these conditions. At VW the four-day work week deal has been agreed along with a proportional cut in wages, i.e. ten per cent cut in wages for a twenty per cent reduction in the working hours. The deal at Opel includes a long-term wage restraint without any reductions in the working time. Ford has basically turned to lay-offs and some time ago drastically cut the number of employees. It is now trying to tackle the issues through part-time work. Of course, in terms of pay the Ford workers won't lose anything. It is only that they will have a different source of income. That is, the Federal Labour Foundation and unemployment insurance are paying a large part of the Ford workers' wages. This takes the form of a payment in addition to the wages received from their part-time work. This, too, is a form of cut in working hours which is being financed through the employees' own insurance fund and not by the employer.

All these three different models now exist. But I think the VW deal includes something special, because for this ten per cent giving up in income there is a twenty per cent reduction in the working time. To what extent this balance is a positive thing for the employees depends essentially on how this 28.8 hours is implemented. This reduction of hours is itself something significant and opens the way for the reduction of working

hours at a wider level. To have put forward the demand that all employees retain 100% of their income was not feasible. But for those with lower income this should have been done.

But this 28.8 hour week is a big advance with respect to work and living, i.e. the sphere of necessities and that of freedom. The VW agreement contains features that can be expanded. There is in this agreement an explosive power which, I think, can be developed. That's why I have not just focused on the negative aspects of giving up wages. The important point is how this 28.8-hour week is implemented. Whether this working time is made to conform to the interests of the employees or to the interests of production capacity is something that should become clear in the future. It will depend on a balance of power, which will determine to what extent the employees' interests are realised. Of course, this was also true in the past. In the last five or six years we have had a relatively rapid reduction in working time. Its result was not, as they say, to create jobs but, rather, to create extra free time for the employees. It has always depended on one's conception of how the working time reduction is to be implemented at the workplaces. From my own experience I know that the shortening of hours had important effects on the lives of every individual employee, and it essentially depended on whether the interests of the employees or those of the company were considered.

It is a similar situation in the case of Volkswagen. And personally I am sorry that the deal has a time limitation and is only for a two-year period. What will happen after that, is not clear. The possibility is also being left open that in case of a rise in orders the working time might once again be increased. I think definite clauses should have been inserted that would preserve the 28.8-hour working time; and, if necessary, the number of employees would be increased. Because I think the reduction of working time, on the whole, has explosive effects on individual relations.

One aspect of the issue is this time limitation. At the same time many small and medium-sized companies resist reduction of working time. Right now the working time in many companies is 40 hours. Kohl himself has talked of the necessity of a 40-hour week. And the Christian Democratic and Social Democratic parties want the working time raised once again. Won't this tendency win in the long run?

What will win is, in my opinion, a growth in the variety and diversity of working times. I don't think the tendency for increasing the working time can realise its agenda. So far, the hours' reduction has not progressed nationally, and even in some sectors individual employers have forced an increase in the working time. Also there is a high overtime that exceeds the agree-

ment is immediately to save jobs, and won't let their struggle be derailed by advisers or by union support. This is really unique, and has not existed in this decisive form up to now. Even the Rhine-Hausen steelworkers' struggle, for example, got the backing of IG Metall, other factory councils and workers from other factories in the Ruhr region. They were always aware of the possibility of defeat. So they considered other alternatives, like social programmes, re-training or jobs in other steel plants. The workers of Bischofferode, on the other hand, lack all these possibilities for compromise. They will either win and save many jobs. Or they'll lose, which will be a defeat for all of them and a very bitter one. And since they know all this, they are fighting with a determination which I haven't seen anywhere else. This is what makes Bischofferode special.

The struggles in the west - those

thing is new and indicates a new quality: there exists a consensus and cooperation among the unions and employees across sectors, branches and workplaces. The open letter by the works councils' secretaries at Opel, Thyssen Steel, of the municipal employees in Bochum and in the other factories, and the solidarity pact that they have signed, is a new thing. There they ask the DGB to spread this form [of cooperation] and build a network through which employees engaged in struggle support each other. This is a new quality which for the first time is not based in the traditional bedrock of unions.

We talked earlier that unions defend separately the interests of their particular sector. But this cooperation has now started for the first time and should really be emulated by the other regions. But apart from that I don't think these struggles so much point to the future.

In Thuringia an alliance has been formed called "Thuringia Is Burning". This is a body outside the unions, but built by union activists. The DGB in Thuringia is also involved in it. In the east as a whole the organisation "Initiative of Council Members in East Germany" has been formed, and initially it had problems with the DGB. Now there is this regional cooperation in Ruhr. These are all forms emerging more or less outside the existing organisations of unions. Are unions capable of incorporating these new forms? I'd mention the recent development at Opel in Bochum where the workers of the opposition slate to IG Metall have been re-admitted to the union after 20 years. This is an indication of the changes taking place inside the unions.

I have to say something in this connection. On the one hand, there are developments where the councils of various factories are working together. On the other hand, at the same Opel plant in Bochum they were not able to agree on a single policy against the capitalists with regard to the cost-cutting deal enforced on the Opel employees. At the same time the workers' council at Opel in Bochum is carrying out various forms of cooperation with other councils and unions and other branches. This is really needed for leading these struggles and it is a correct response. But the same people are unable to do the same thing in their own plant! They are played against each other and can't avoid a split.

Whether this tendency for regional cooperation between unions and councils can be something stable in the long run, I am not so sure. But I think it can be strengthened. And strengthening it means that unions support it and push it forward. In that case there will be chance of success in the long run too. They have been formed spontaneously by workers themselves. If they remain as they are, they will not be so strong in the long run. If the unions wanted, they could support them, and they have structures which can incorporate such cooperations... The leader of the DGB has not yet replied to the open letter. Moreover, this form of cooperation has remained specific to the Ruhr region and, except for Thuringia, which is the second example, has not found following in other areas. The unions have not yet reacted either. So the survival of this experience is not ensured.



ments in the labour contracts. But, on the whole, working time has been reduced - not only in the agreements but also in fact. The efforts that are made to reverse this trend will not succeed.

For economic reasons?

No. Because of resistance by the employees and unions.

So far, we have mainly talked about the more general developments in the German labour movement and unions. Let us turn to another issue, namely the workers' spontaneous movements in the recent period. It seems that in eastern Germany a resistance is building up. Workers are struggling not only in Bischofferode mines but also in other factories, in the whole of the state of Thuringia. In the west too workers in the Ruhr region are more and more turning to spontaneous actions. How can we assess them? Are they like those we have seen before, which would break out now and again and then decline or get channelled by unions? Are there features and elements in these actions which look forward to the future, or will they also decline?

It is difficult to judge with certainty the degree of militancy of these actions. First of all, if we look at Bischofferode on its own and at the triggering effect it had in eastern Germany, it is something special and unique. It is more than those others in the past. Bischofferode is identified by its radicalism and resoluteness. This is due, among other things, to the fact that they are not backed by the unions, and therefore cannot be channelled by them. They are fighting without compromise and are relying very much on themselves. Also, their

of the miners and steelworkers being the foremost - are not so radical and resolute. As far as the level of consciousness in the struggle is concerned, they are in some cases at a higher level. Or they are more conscious with regard to the strategic and social significance of their struggle. There are politicians who go to them and give their support. Unlike Bischofferode, they have many supporters. That's why their fight is not so intense and resolute like that of Bischofferode.

The miners union is still in a position to keep the miners' struggle within a particular framework, and, in terms of political orientation, to channel it along the union's official line, i.e. reach a compromise and cooperate with the mine companies and the federal government. The union has always led the workers' struggle within this framework. They have an "absorption plan" according to which the aim is not to save every workplace. Rather, it is to preserve a certain level of employment. Accordingly, it is prepared to let them close down specific mines. Despite the wishes of the workers at these mines, the union still manages to carry on with its policy. In some cases the workers went beyond the framework set by the union, taking actions not favoured by the union, such as blocking roads, occupying municipal authority buildings, etc.

Occupying factories?

Yes, there were factory occupations too, but they were short-lived. I am sure you have in mind the occupation of the nuclear plant. They blocked the delivery of coal to the plant, and the union backed the action after the fact, but itself never took such measures.

As far as the struggles in the Ruhr region are concerned, one

Issued monthly
in Persian, with
a supplementary
English section.

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Sweden	SKr14
Denmark	DKr15
Germany	DM3.5
Britain	£1.5
France	FF14
USA	US\$2
Canada	C\$2.5
Other non-European	

صفره ۱۶، سال چهارم، شماره ۴۴، بهمن ۱۳۷۲

Page 16, Vol.4, No.44, February 1994

IN BRIEF

India

On 28th January fifty five miners, trapped for two days by an explosion and fire at the state-owned Newkenda coal mines 260km north of Calcutta, were found gassed to death.

Portugal

Portugal's public-sector workers staged their second 24-hour strike in three weeks on 11 February. The unions are demanding a 9 per cent pay increase against the government's 2.5 per cent offer. Inflation is forecast at 6 per cent for 1994. The strike affected hospitals, schools, public transport and other services.

Germany

West German chemicals workers accepted real wage cuts in return for jobs. The 15-month deal was equivalent to an annual increase of 1.5 per cent compared with expected average inflation of around 3 per cent.

Romania

More than 800,000 Romanian workers took part in a one-day warning strike on 5 February in the second big action in a week. Alfa, Romania's second largest union bloc, said workers from all 24 of its federations, concentrated in metallurgy, mining, electronics, and agro-industries, had taken part in the protest - according to the *Financial Times*.

Support Worker Today

YOU CAN subscribe to Worker Today and urge your union branches to take up subscriptions.
YOU CAN support us financially and ask your unions to make donations to Worker Today out of their assistance funds.
YOU CAN help distribute Worker Today in your area.
YOU CAN give us technical assistance, e.g. computer hardware and software to speed up and improve our work.
YOU CAN send books and journals to Worker Today Book Club.
YOU CAN send us your articles and reports.
YOU CAN introduce Worker Today to colleagues and comrades.
YOU CAN tell us your views and suggestions about the paper.

Fiat workers strike against job cuts

WT News Service:

Unions at Fiat called an eight-hour strike for January 18 in protest against further job cuts announced by the company. Workers at Arese, the Alfa Romeo plant outside Milan, were also due to go on strike.

The lay-offs include a cut of 5 per cent in the workforce and a further 10 per cent lay-off for up to two years. According to the *Financial Times*, the cuts will mainly hit Fiat's Sevel plant near Naples, in the Turin area, and at Arese.

The previous series of cuts and lay-offs were announced by the company in November last year. The unions have tried to persuade the company to accept "solidarity contracts" - flexible working hours and a shorter work week as used by Volkswagen.



The lay-offs will hit 6,500 of the 95,000 workforce. This is in addition to the 16,000 workers to be temporarily laid off in Fiat's Italian plants.

Indonesia: Labour leaders arrested on eve of strike

WT News Service:

Over 20 leaders of Indonesia's biggest legal trade union were arrested on the eve of a nationwide strike on Friday 11 February.

The strike went ahead as planned, however, despite the government's repression. According to *Dagens Nyheter*, published in Stockholm, just under one million workers took part in the ac-

tion.

The strike had been called to highlight the demand for the right to build independent labour organisations, and to call for the implementation of a minimum wage. It follows a series of wildcat strikes in the previous weeks over wage increase. Wages in Indonesia are among the lowest in the region. ■

Proposed changes in labour law in Iran:

Islamic regime backs down after workplace protests

The news of planned changes to the Islamic Republic labour law led to widespread protests in factories in Iran. The planned changes, intended to make the existing labour law even more protective of employers' interests, were mentioned in Rafsanjani's second economic plan and had been proposed by the Planning and Budget Organisation. Following the workers' reaction, the government quickly withdrew the plans.

As the opposition to the proposed changes was building up in the workplaces, the Islamic Councils (government-set up bodies in the workplaces) rushed to the scene, warning the government of the dangers that were awaiting them if they went ahead with the changes. And they called on workers to be patient and show self-restraint.

Later, Hussain Kamali, the labour minister, who, along with the Islamic Councils, was calling workers to calm, called a press conference to announce that no changes were going to be made.

He said, "For us the main issue is to save the system which unfortunately has no place in the economic views of some people". With regard to the lay-offs, he said: "If there is no control mechanism over the lay-offs, the security of the system will be in trouble".

Until now the Islamic Councils have in various ways defended the Islamic Republic's anti-worker labour law which does not recognise the right to organise and strike. When the draft of the law was changing hands in government and Islamic Assembly corridors, they said it was one of the best labour laws in the world in the face of the criticisms of the law by the radical tendency in the labour movement. And now they are alerting the Islamic regime to the dangers of changing the labour law. ■

Informing the "responsible authorities" of what goes on at the workplaces is the duty by law of the Islamic Councils. ■

Job cuts in France

WT News Service:

The following is a list of the state-owned enterprises in France currently carrying out and/or planning job cuts, according to a report in *Liberacion*:

•Air France: with a workforce of 44,000, had planned to cut 4,000 jobs but this has been suspended.

•Bull: with a workforce of 13,000, has forecast cuts of 2,850 jobs by the end of 1994.

•Chausson: auto company with a workforce of 3,200, is to cut 1,285 jobs; the plans to cut a further 661 jobs have been suspended.

•ELF: with a workforce of 51,000; the number of jobs to be cut has not been announced.

•GIAT Industries (military): with a workforce of 12,000, has forecast cuts of 2,300 jobs, according to its first plan; or, with a shorter working time, 1,600 job losses by the end of 1995.

•Renault: with a workforce of 61,000, was to cut 2,249 jobs by the end of 1993.

•S.N.C.F (French Railway): with a workforce of 189,000, 6,200 jobs cut in 1993 and plans for a further 7,000 in 1994.

•SNECMA (aircraft engine manufacturer): with a workforce of 13,000, is to cut 775 jobs by the end of 1994.

•SNPE (makers of explosives): with a workforce of 4,000, is to cut 1,076 jobs by the end of 1995.

•Thomson-CSF (electronic products): with a workforce of 42,400,

has announced cuts of 1,200 jobs (suspended), and plans to cut 2,300 jobs by the end of 1994.

•Rhône-Poulenc (chemicals factory): with a workforce of 35,500, is to cut 1,000 jobs annually.

•Pechiney (manufacturer of boxes and packaging cartons): with a workforce of 32,000; the size of the cuts has not been announced. ■

General strike in Spain

WT News Service:

Spanish riot police clashed with pickets across the country on 27 January during a 24-hour general strike in protest at the government's labour market policies. Up to 8 million workers were reported to have taken part in this action called by Spain's two main unions, the General Union of Workers (UGT) and the Workers' Commissions (CCOO).

Clashes between workers and police took place in Madrid and the cities of Burgos, Málaga, Zaragoza, and San Sebastián, according to the *Financial Times*. Dozens of people were reported injured and more than 50 arrested. ■

Which way's German labour movement heading?

Interview with Manfred Neugroda p.15

Building international labour solidarity

Interview with Mehdi Ardi p.14